

د مصطفیٰ عمرزی په زیار



ملی رسالت
Ketabton.com
(د محمد طارق بزگر کارنامې)

د لوی خدای په نامه

د دعوت نشرېې د یو دیرشم کالیزې په ویاړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت / رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې / کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زیار

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی
راټولونه، تنظیم او بیا کتنه: مصطفی عمرزی
سمونه: م.ع-م.ط.ب
دیزاین: م.ع
ژبې: پشتو او دری افغانی
مخونه: 203
خپرونکې: م.ط.ب
د چاپ شمیره: لمړی
چاپځی: کی یف-اکراین
ټوکې: 1000
کال: 1398/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپی، آنلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

په دی کتاب کې:

- ۱- رسالت ملی..... 1
- لمړی څپرکی / محمد طارق بزگر..... 5
- ۲- حبيب الله غمخور..... 5
- ۳- محمد نقيب تره خيل..... 21
- ۴- قدرت الله هيوادپال..... 24
- ۵- محمد سرور وکيلي..... 27
- ۶- امرالدين سرحد..... 28
- ۷- استاد کم باور کابلي..... 29
- ۸- پوهنمل رحمت ځواکمن..... 30
- دويم څپرکی / دعوت..... 32
- ۹- مصطفى عمرزی..... 32
- ۱۰- سراج الحق بيرک زى ځدران..... 34
- ۱۱- کانديدای اکادميسين استاد محمد اعظم سيستاني..... 40
- ۱۲- عبدالغفار جبير..... 46
- ۱۳- قريب الرحمن سعيد..... 48
- ۱۴- محمد آصف ننگ..... 51
- ۱۵- سردار ولي پشتون زوى..... 54
- ۱۶- شاهى سعادت..... 56
- ۱۷- استاد کاظم بيمار ننگرهاری..... 58
- ۱۸- شکريه بارکزی..... 60
- ۱۹- داکتر حضرت عمر زاخيلوال..... 61
- ۲۰- داکتر نبي مصداق..... 63
- ۲۱- محمد نقيب تره خيل..... 66
- ۲۲- زاهد جلالی..... 68
- ۲۳- داکتر محمد نواب ويساند..... 70
- ۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی..... 73
- ۲۵- فهيم نظمى..... 75
- ۲۶- بيکسيار..... 76
- ۲۷- داکتر جمشيد سمون..... 79

- ۲۸- اجمل روہی..... 83
- ۲۹- سرلوخ مرادزی..... 85
- ۳۰- دکتور استاد سید خلیل اللہ ہاشمیان..... 87
- ۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکر..... 89
- ۳۲- داکتر عبدالصمد حامد..... 93
- ۳۳- ہلمند پردیس..... 95
- ۳۴- استاد صباح..... 97
- ۳۵- استاد ابوبکر ساپی..... 102
- ۳۶- محمد امین بسمل..... 103
- دریم خپړکی / پیغامونه**
- ۳۷- ولی الله ملکزی..... 106
- ۳۸- استاد عمر پاخون..... 108
- ۳۹- داکتر صلاح الدین سعیدی..... 109
- ۴۰- نجم شینواری..... 110
- ۴۱- عظیم الدین علیمی..... 111
- ۴۲- استاد صباح..... 112
- ۴۳- داکتر لطیف یاد..... 113
- ۴۴- عاشق فنا..... 114
- ۴۵- ف. هیرمند..... 115
- ۴۶- انجنیر فضل احمد افغان..... 116-117
- ۴۷- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام..... 118
- ۴۸- نیک هدایت خاخی..... 120
- ۴۹- محمد ایاز نوری..... 121
- ۵۰- استاد محمد اسمعیل یون..... 123
- ۵۱- د زلمو پاخون ټولنه..... 126
- ۵۲- محمد یوسف هیواد دوست..... 130
- څلورم خپړکی / د بزگر خیره**
- ۵۳- در مستند ناروېژي «پناهنده»..... 132
- ۵۴- در مطبوعات غربی..... 136

- ۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.....148
- ۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.....150
- ۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن.....153
- ۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی.....154
- ۵۹- ستایش نامه ها.....155
- پنجم خپرکی / د دعوت نوستالژی.....163
- شپږم خپرکی / د انځورونو البم.....186
- معرفی مصطفی عمرزی.....200

رسالت ملی (مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقای عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.

رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.

نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحید بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیران تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

ملی رسالت / 2

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آئینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علائق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایشار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انتظار بزرگانی که این جریان (دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزرا

ملی رسالت / 3

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند. تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.

روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد. محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟

راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.

آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح مآوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.

در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

ملي رسالت / 4

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیازها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدأ، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شئونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۳۹۷/۸/۱۱ ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل - افغانستان

لمړۍ څپرکۍ:
محمد طارق بزگر

د محمد طارق بزگر د دعوت جريدې
او ويب پاڼې مسوول مدير لنډ ژوندليک
حيب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لورينې سره
زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنگي شخصيت، ليکوال، او ژورناليست
ښاغلي محمد طارق بزگر لنډه پېژنده پيلوم.

د وطن د شرف سپريم نه وېرېږم
که د تورو گذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولي دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه گولي د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم
د ښاغلي محمد طارق بزگر زموږ تکړه ليکوال او فرهنگي څېرې ۲۳
کلن فرهنگي او ولسي چوپړ يادغونډي ته ئي ډالۍ کوم.
د پيل خبري:

دراڼه لوستونکي خبر دی چې د سويډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کي
زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنگي څېرې د
علمي او فرهنگي چوپړ د درنښت په وياړ د روان کال د دسمبر پر لسمه
يوه درنه غونډه رابللې ده.

يا خو ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب ځوانه فرهنگي څېره ده او يا
خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه يو رسېدلې چې د خپلو شخصيتونو
ژوندليک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې
پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنگي دوست د پېژندليک د ماڼۍ ډېره
کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزگر صاحب ژوندليک به تر دې چې ما
ليکلې څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته گټور وي. سره

ملي رسالت / 6

له دې چې د ښاغلي طارق بزگر صاحب د کار او فرهنگي چوپړ سره به ډیر هیوادوال اشنایي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډیر د دې دروند شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنگي گټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواړه احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنگي کارونو او پدې برخه کې د گټورو گامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کې دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد گل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینار کې د ډیرو فرهنگي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنگي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د گران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنگي همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سویډن کې د ژوندو فرهنگیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولو افغانانو لپاره د ویاړ ځای دی.

دې ټکې ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژونديو څه قدر نسته. کله چې خدای نخواستې مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننگیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

ملي رسالت / 7

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسيزه کښې د ځوانو فرهنگيانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنگي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پايله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، يو چې نه يوازي له هيواد نه بهر بلکې د داسي ستاين غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزیدلې ده.

اوس د ژونديو ليکوالو، اديبانو، شاعرانو، ژورناليستانو او فرهنگيانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کيږي او د هغوی د ستاينې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړېږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژونديو وياړونو ستاينه کيږي او هغوی نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کيږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازي فرهنگي شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورناليست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزگر صاحب په قلم ليکلې سوي، چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکارندويه بېلگه ئې گڼلای سو.

ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازي د بيلابيلو مقالو په ليکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توگه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په اسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه يوازي دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي خپرونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جريدې د نشرېدو تر څنگ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ په گوټ گوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته راملومه ده چې په بهر کې د يوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو وياړ ئې پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په مټ ليکوال او ولس يو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزگر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنگي چوپړ په ملي ارزښت پوهيږم.

ملي رسالت / 8

د دعوت پر ټنډه ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کي خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کي نه زړه پري. زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکي مشوري او معلومات ترلاسه کړل شي.

زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزگر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندي ډيري خبري وليکم. دومره غواړم څرگنده کړم چې دعوت اوس يوازي داسي خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلئ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستې د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنگي او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او ارشيف او د ورځنيو مسائلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډگر بدل سوئ دی.

طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنگي چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنگ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکي په توگه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي گټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنگي ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړي دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښي جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د گډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنگي ټولنو په نوښت علمي او څېړنيزو کنفرانسونو، سمینارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرگردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنگ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې ټلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه سترې کېدونکي تلاښونه کوي.

زه محمد طارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنگي چوپړ کښي د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمخې راغاړم او غواړم درنو

ملي رسالت / 9

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښي د دوي دغه فرهنگي چوپړ دېن د ماليار، تکړه ليکوال او ژورنالست وروپېژنم.

زېږېدنه، يا دې نړۍ ته سترگې غړول:

د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څيره او ژورناليست محمد طارق بزگر له نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړۍ ته په ۱۳۴۵ لمريز کال د کنړ ولايت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکي ارواښاد عبدالقيوم بزگر په يوه منوره او متدينه کورنۍ کښي دنيا ته سترگې غړولې دي.

ارواښاد عبدالقيوم بزگر د کابل پوهنتون د حقوقو او سياسي علومو پوهنځي نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شاه او داوودخان په رژيمونو کښي مختلفې دولتي دندو په کار گمارل سوې دي او هغه ئې په پوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولې دي.

ښاغلي طارق بزگر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښار په مختلفو ښوونځيو کښې سرته رسولي دي. نوموړی لا د کابل ښار د نادريې ليسې په يولسم ټولگي کښې په زده کړې مصروف و چې دی پر افغانستان د شوروي اتحاد د يرغل په وړاندي د مخالفت له مخې په ۱۹۸۰ کي له کابل نه د پېښور په لور هيواد پرېښېدو ته مجبور سو؛ په داسې حال کي چې کورنۍ لا په کابل کي اوسېده.

د نوموړي په وينا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کړو سپارښتنه او هڅول کيده، ځکه خوئې عالي تحصيلات د پېښور په اسلاميه کالج او د پېښور پوهنتون نه په سياسي علومو او اسلامياتو په برخه کښي عالي او مسلکي تحصيلات په بري پاي ته ورسول.

په کوزه پښتونخوا کښي تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کال د يوازې د ناروی هيواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چې په ناروی کښې ئې د ښاغلي طارق بزگر په اړه لرم دلته ئي هم د ناروي دلورو تحصيلاتو په موسسه کښي (Bodø High School Norway) انترنيټي ژورناليزم ولوست او تر هغه وروسته ئي دکانبرن (Canburne University) په پوهنتون کي د ژورناليزم په برخه کښې تحصيل کړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایي چې تر څو ژوندی وی زه به تل يو زده کوونکی یم.

ليکوالي او فرهنگي چوپړ:

بزگر صاحب وايي لمړۍ ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کېنې د مقالو په ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پوري د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کېنې په پښتو، دري، اردو او عربي ژبو خپرې شوي دي. طبيعي ده چې تر اوسه ئې له نېکه مرغه د قلم رنگ نه دئ وچ سوۍ او گوټې ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائلو د څېړلو پوره او غښتلۍ توان لري. پر دې خداي ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نښوای ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډير زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپي رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپرونې چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو گڼو کېنې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبي سره مينې او محبت د دې ټاټوبي اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنگي رښتياو او گټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقیده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنگي بهير پر مينه والو نده تېلې، بلکې د خپل نظر د څرگندولو تر څنگ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنگي او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپرونې او دعوت ويبپاڼه کېنې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسووليت د محمدطارق بزگر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده او دعوت ويبپاڼه کېنې د نظرياتو خپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د دعوت قلمي همکار دنده او مسؤليت دی. اړينه ئې بولم څرگنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انگليسي اوناړوېري ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارگانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکي د بېلگې په توگه

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارگانو او خپله ښاغلي بزگر صاحب د ژورنالستيک او فرهنگي خدمت د ارزښت او رول په هکله تر يوه بريده معلومات پيدا کړي. ښاغلي ډاکټر صاحب نبي مصداق ليکي:

تاسو د ډيرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښې ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وگټلو. اوس چې هماغې جريدې تر څنگ ډير اصلاح شوی او ښايسته ويب پاڼه هم پر مخ بياېې ډير د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسيزې کيږي چې د نړۍ په هر گوټ کې خواره شوی یو. دعوت جريدې ته د انتظار پر ځای، د ويب پاڼې له لارې د افغانستان په پښو هره ورځ خبريږو.

زمونږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وايي:

نشريه دعوت به مثابه يک نشريه ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است. تکړه ليکوال او ژباړونکي رحمت آريا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري ليکي:

دعوت د خپلې ناپېلې او بې پرې تگلارې پر بنسټ د افغاني - پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پياوړې لاس ته راوړنې لري او وياړ يې د افغانانو د ټولنيزو فرهنگي بنسټونو پر ځلانده تندي د ځلانده ستوري په توگه ځليږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانگړې توگه د افغانستان ناوړين ځپلې ټولنه چې د ټولنيز ژوند هرگوټ يې د درو تېرو لسيزو خونړيو جگړو په ترڅ کې په ژورو گړنگونو اوښتی دی.

جگړې نه يوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه يې را درې وړې کړل. نيواکگرو او ښکيلاکگرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهوڅو د ډيرې خواشېنۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه يوازې پرديو وکړه، بلکه يو شمير ککړو افغان لاسونو هم پرديو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تيل ور توی کړل چې ان پر دې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

ملي رسالت / 12

هرگوره! د دعوت ويبپاڼه يوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې وړانې په بيا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تويوي.

په وروستيو وختونو کې د دعوت ويبپاڼې انځوريزه مخبڼه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخبڼې په پرتله يې لا ښکلا وموندله. کانديدای اکادميسين او تاريخ پوه محمداعظم سيستاني صاحب هم د دعوت ستاينه کوي وايي:

دعوت با چاپ، نشر و توزيع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگي خود را در جهت آگاهي دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترين تحولات اجتماعي و سياسي متعلق به کشور جنگ زده افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائي که من می بینم، اين رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزيار صاحب د دعوت دشلمې کاليزي په مناسبت خپل لېرل سوی پيغام کښې ليکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنې شلمه کاليزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نيکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتيايې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکو کې نغښتې چې يوخوايې د درو خپرنو (پښتو، پارسي او انگليسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کې ښه ترا غځولې او بل يې له ټولو رسنيزو ارونو سره سم هرې اندپوهې او ليدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې اېښې ده. په دې توگه يې د هغو لنډو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېخايه نيوکو پلمه له منځه وړې چې گڼ تاريخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سياسي، اندپوهيزو او ژبتوکميزو او بيا د بهرنيو بادارانو له گټو وټو څاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې يې ډير کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دريغه مينې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او ديوې ملي خپروني پرمخ بېول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وينو لړلې، لړزانده او د رنگونو په بازار

ملي رسالت / 13

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دې شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی وياړ تر لاسه کړي.

زمونږ پياوړی ليکوال په استراليا کې مېشت افغان ښاغلي هدايت الله هدايت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شريکوي: محترم بزگر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ويبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او ښايه سوې او په افغاني حلقو کې يوه مطرح او درنه پاڼه گرځېدلې ده.

تاسو گران د دعوت په خپرونو کې د بيان و آزادۍ او وطني رسالت ته مو ښه پوره ميدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالنې استازيتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو گران يې و ورځنيو ملي غوښتنو او پېښتو ته کوی او هغه واقعيتونه چې تاسويې په دعوت کې منعکسوي، نو ستاسو پاڼه يې د زيات قدر وړ گرځولې ده. د کابل پوهنتون استاد کاظم بيمار صاحب ليکي:

د دعوت جريده او بريښنا پاڼه د تاسيس د ورځې څخه بيا تر نن پورې د گران هيواد افغانستان او هيوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه ليار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقايقو په نشر-او خپرولو کې يې هيڅ وخت دريغ نه دی کړی او د هيچا او هيڅ قدرت تر تاثير لاندې نده تللي او هيڅکله يې ځان په ژبني، قبيلوي، مذهبي او سمې تعصبونو او تبعيضونو ندی ککړ کړی.

د دعوت، بيطرفه جريده او بريښنا پاڼه ده؛ مگر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هيواد د ملي مصالحو او د وطن د تماميت مسووليت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسيدلو لپاره يې تل ملي خيرې او ملي مبارز شخصيتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي گټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امريکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بيا وايي:

د دعوت رښتيا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړيکه وه او ده چيرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنگان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزاد صاحب ليکي:

د پښتو په رسنيز بهير کې دعوت ځانگړی ځای لري. ښايی د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وگڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چې زموږ فرهنگي او قلمی ملگري په دی توانيدلی چې د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لایي هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي. ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زړ يې ټايپ ته لار وميندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرگونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انگليسي او نارويژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لری. انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکو سره پدې بڼه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی گران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د گرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسی د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنی د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشی ورټکولای.

د دعوت جړېدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کېږدی لمخۍ د گران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

وايي: بزگر صاحب! دعوت شل کړه. هغه وړاندي ليکي، دعوت هغه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو کې يې د افغان ولس ملگرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانک ډالۍ کړي دې، خپرونې ورته پوهه، مينه او ورورولي ورکړې ده. د نېکمرغۍ ځای دی چې دې خپرونې دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر يو څو گڼو وروسته يې بيا څرک نه لگېږي، خو دعوت برېښنايي نړۍ ته هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر گوټ ته يې ځان ورساوه، چې په دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزگر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چې په دومره بوخت ژوند کې يې شپه او ورځ پر ځان يوه کړې او دغې خپرونې ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکړه چې دغه نظرونه پخپله د ښاغلي طارق بزگر د لنډ ژوند اوږد داستان بيانوي، په لوستلو ئي لوستونکي ته له ورايه څرگندېږي چې ولې موږ د ده قدر کوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولو چې د خپلو فرهنگيانو، اديبانو، پوهانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمي غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنگه چې د ليکنې په پيل کېنې مې اشاره ورته وکړه، بزگر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپايي هيوادو او امريکا کېنې د افغاني فرهنگي ټولنو په نوبت جوړې سوې په يوشمير نورو هغو نړيوالو کنفرانسونو کېنې هم برخه اخيستې؛ کوم چې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلگې په توگه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپريل پر ۲۵ او ۲۶ د ((اکو سيستم د بوټو څخه ونه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربت مخنيوی)) ترنامه لاندې د ملگرو ملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشاپ چې د ډنمارک هيواد د کوپنهاگن په ښارکې د دې هيواد د بهرنیو چارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمې پورې د قانون ايسودونکو ټولنو له خوا د G8 (۸ ستر صنعتي هيوادونه) اجنډا د

ځنگلونو په نه وهلو سره د گازونو د توليد کمولو اجندا ترنامه لاندې د برلين په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونېسداگ) کې.

۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهايم ښار کې د ملگرو ملتونو لخوا کنفرانس ((په نړۍ کې ټول ژوندي موجودات او په ځانگړې توگه د هغوی ژوند کول او اوسيدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). په دې کنفرانس کېنې د ۸۰ هيوادونو د چاپيريال ساتنې لورپوړو چارواکو برخه درلوده.

۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په گدانسک ښارکې د ميډيا ۲۴ لخوا چې مرکزي په سويس کې دی، د فنلنډ هيواد د بهرنيو چارو وزارت په مالي مرسته د ((د اوبو د بيخايه مصرف مخنيوي)) ترنامه لاندې ورکشاپ او کانفرانس چې د ۱۷ هيوادونو ژورنالستان وربلل شوی وو او د ژورنالستانو د شخصي روزنې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.

۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نيټې پورې د ملگروملتو او د ناروې د حکومت له لوري د ((ټولو ژوندي موجوداتو ساتنه او د دوامدارې پرمختيا له پاره کارکول)) تر نامه لاندې د ناروې هيواد تروندهايم په ښار کې علمي کنفرانس.

د دې پورته يادو شويو کنفرانسونو تر څنگ په ډيرو افغاني غونډو کې چې په امريکا، انگلستان، جرمني، ناروې، سويډن او نورو هيوادو کې جوړې سوي، فعاله برخه اخيستي ده.

د بزگر صاحب سره نړيوالو راډيوگانو لکه بي بي سي پښتو او فارسي، امريکا غږ پښتو او دري، ازادي راډيو، د فرانسې نړيواله راډيو فارسي، المان غږ دويچې ويلې پښتو راډيو سره په سلگونو سياسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزگر صاحب سره د افغانستان د ورځنيو سياسي، پوځي حالاتو په اړوند ډيرې مرکې سوي چې په نارويژي اخبارونو، راډيو او تلويزيونونو برسیره په يو شمير افغاني مجلو، اخبارونو او ويبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.

د ښاغلی محمد طارق بزگر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انگليسي، نارويژي باندې پوره پوهيږي؛ خود دې ژبو ترڅنگ يوه اندازه په عربي ژبه هم پوهيږي.

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو په اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دري، اردو، انگلیس او ناروېژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزگر صاحب وايي د کتابونو ټولولو سره له ډیر پخوا مینه او علاقه لري. همدا ډول په زرگونو انځورونو، ویډیوې کسټونو، سی ډي او کسټونو چې په ټولو کښې د افغانستان په اړوند معلومات راټول سوی د بزگر صاحب د کورنۍ کتابتون یوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنگي فعالیتونو په څنگ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځینې یې تقریباً بشپړ او یو شمیر به ئې وروسته د چاپ جوگه شي. د بېلگې په توگه:

۱/ ناروېژي پښتو ډیکشنري چې تر اوسه ((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو ((۱۰۰۰)) لنډۍ د انگلیسي له ژباړې او تشریح سره.

۳/ پښتو ((۱۰۰۰)) متلونه د انگلیسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپرو شوو لیکنو او مرکو کتابونه د کلکسیون په بڼه. دولتي دندې:

بزگر صاحب زما دیوې پوښتنې په ځواب کې راته وویل: اوس د ناروېژي دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځینو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره کوم. د دې تر څنگ د ناروېژي د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توگه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تلیفون له لیارې کله ناکله ترجمه هم کوي.

ستاینلیکونه:

بزگر صاحب دخپل فرهنگي چوپړ په درشل کښې د امریکا په شمالي کلیفورنیا کې افغاني کلتوري ټولنه، په جرمني کښې د افغانستان د کلتوري ودې ټولنې، په امریکا کښې نور ټلويزيون او سویډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنگي ټولنې له خوا په ستاینلیکونو سره نازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزگر د یوې پوښتنې په جواب کښې راته وویل چې درې وروڼه او څلور خويندې لرم. هغه زیاته کړه دوه وروڼه مې ډاکتران او یو بل

ورور مې د عربي ژبې او ادبياتو څانگه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.

د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزگر صاحب د پتمنو خویندو د ژوند د څرنگوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوی هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.

بزگر صاحب واده کړی او د گل کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خدای څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵ کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰ کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.

ماته له بزگر صاحب سره په اړېکو کښې دا څرگنده سوي چې بزگر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توگه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورگډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډیر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډیرو ساده او خوږو کليمو جواب وايي. یوڅوړ مجلسه سپړي دي.

هغه یوله هغو علمي او فرهنګي خبرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبي او منطقي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځای ورسره گډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوند په توگه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډیرو ادبانه جملو او له فرهنګي اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څیر دې دیوال ته سرتمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د تربیون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو خښتن په توگه پر مور ټولو هغو چې پېژنوي د یوه درانه شخصیت په توگه گران او د قدر وړ شخصیت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه یم چې بزگر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګي څېرې

په توگه د تل لپاره د افغان ولس په څنگ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزگر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت په پايله کېښي زيات علمي، ادبي او فرهنگي اثار د دعوت خپرونې له لاري زموږ د جگړه خپلي هيواد راتلونکو نسلونو ته د يوې علمي او ادبي پانگې په توگه په پنځوسو هيوادو کې د افغانستان د اوسنيو او راتلونکو حالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزاني او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او اندېښنو نه څنگه او په کومه بڼه د هيواد د روښانه راتلونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت ويښانې اوس د افغان ولس په ځانگړې توگه زموږ د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عالي ابتکار لاس پوري کړئ؛ هغه دا چې پدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توگه مرکې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولاي سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توگه ور ورسوي. د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينگلو حالاتو کې چې زموږ ولس د يو سخت ازموږ پر ډگر ولاړ دي، دا ملت د دوستي په جامه کېښي د بېلا بيلو زبرځواکو د دښمنو او ډول ډول دسيسو له سختو سېلابونو او توفانونو سره مخامخ دی، اړينه ده چې د هيواد د داسي ځوانو شخصيتونو درناوی وشي او هغوي د ټول افغانستان په گټه نور هم ملي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توگه د ځوان نسل سره د افغاني مينې او د دوئ په وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پياوړي پوهان، ليکوال او څېړونکي لری؛ د هغوئ عزت که بل څوک نه کوي، تاسو ئي بايد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلو سره وکړئ. هغه دا چې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اويا د بحث په نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړي او پدې غونډو کېښي دوي ته بلنه ورکړي او د دوئ نه وغواړي چې ستاسو سره پر يوه کمبله او يوه

ملي رسالت / 20

چو تره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پيرزوينو ونازوي.

د خپل هيواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتې او نالوستوب به زموږ ټولنه تر يوې بلې پېړۍ پورې هم د گاونډيانو او نړيوالو د اقتصادي، سياسي، ټولنيز او فرهنگي ستم او تيري لاندې وساتي.

په گران او سوځېدلي افغانستان کېنې د علم، پوهې او خپل منځي مينې او محبت زياتېدو لورته د پياوړو گامونو د پورته کېدو او خپل هيواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصيت د ستاينې او هڅونې په هيله.

ريښتني شخصيت محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزگر له تنکی ځوانۍ پدې باور وه چې تفکر د معرفت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتني شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو گټلو پر ځای د علم گټل خوښ کړل. معرفت هاغه د معنویت واک ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنگ وي. او بل که د قدرت په وخت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زېږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زېږيږي.

هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جابلېه کېږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زېږوي، څنگه چې همداسې په افغان ټولنه کې وشول او لا هم کېږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کالو کې د هېواد دننه او بهر په لس هاوو گوندونه- تنظیمونه په سل هاوو ادبي- فرهنگي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسان او قوم پالنې ترنامه لاندې جوړې کړې دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوی د ثروت، شهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسانیت او قومیت پلورني هټۍ گرځولي. له همدې لامله د ارزښتنو پلورل د اکثر و افغانانو عادت شوی. له ټولنې حیا کلیه شوی او بشرمي په کې معاف شوی. همدا د ارزښتونو سوداگر په جبر او ظلم ثروت او قدرت ترلاسه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کېږي. د سلطنت له مرگ سره یې د شخصیت مرگ جوخت وي.

دا منلې او عملي شوې وینا که انسان قدرت ته په گوندو نشي- ثروت ته خامخا تسلیميږي. بزگر هم د ابراهیم ابن ادهم غوندې د خپل مضبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتنې وینا د خپل ځان په اړوند باطله کړې.

ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پر مقصد د مکي معظمې پر قصد پرېښود. ډېر کلونه وروسته د بحر په څنډه ادهم خپلې خبرې او شپږدلي جامي گنډلې، پر آس سپورکس یې تر څنگ تېرېږي، ورته څیر گورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیر

وم. ورکښته کېږي او ادب يې کوي، ورته وايي اې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصيبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وايي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهيم ستنه بحر ته گذاره وي، بيا غږ کوي، راکړه ستن مې، يو زر کبان له اوبو سروڼه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نيولې وي. وايي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه يو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، يو يهودي هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقيب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تميري. خو څه وخت چې ابراهيم د ناستو کسانو خواته رسيري، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږيره ښکلې ده، که زما د سپي لکې؟ هاغه ورته وايي زويه! که مې دا ږيره د خدای لپاره نه د ريا لپاره پرې اېښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې يم بيا نو زما ږيره ښکلې ده، هلک پرمومي خجالتيري، بيا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صيب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ريښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر څنگ يې د حق په پلوي او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنيز سنگرجوړ کړ. يقيناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقيقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ريښتينولي او يومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهيم د ادهم اولادې ته د پلار ميراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصيت مشروعيت د سلطنت له درباره اخيستی وه. نو د سلطنت له بايللو سره جوخت بې شخصيته هم شول، خو ابراهيم چې يو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلې وه، او د پوهې په رڼا د عقېدي په مضبوطيا د نفس په سپېڅلتيا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو يې خپل کوچني او لنډ عمره شخصيت ستر او تلپاتي کړ. د دې تر څنگ يې آن د کورنۍ پر شخصيت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقيقي شخصيت بڼه ښيي.

ملي رسالت / 23

د بزگر شخصيت دعوت دي او دعوت د پوهې او کولتور مرکز نن هم
ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

ښاغلی طارق بزگر چې زه يې پيژنم قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلي بزگر له ډېر وړوکوالي پيژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننگونو تيريري په داسې حال کې دې چې د قلم جهاد او غورځنگ د ټوپک او زور له غورځنگه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلي بزگر د دې سنگر ډېر تکړه او سپېڅلې مبارز دی.

زه ښاغلي بزگر له ډېرې زمانې راپيژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټليفون سره غږيرو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهيرم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وگڼه. د اشخاصو او شخصي گټو لپاره ملي گټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم گڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستی ده.

افغانان تل په درانه خوب ویده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپورمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سپارو غمونو پسې يې راخيستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له درېيمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو بېولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه گرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

خاورې پښې سپکې کړي او يا دلته د خپلو جيونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچيانو ساتلي دي. زموږ د تاريخ يوه لنډه داده چې تل يې رزمي او جنگي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امير کروړ دی، بايزيد روښان دی او آن نږدې سيد جمال الدين افغان، پر دې يو هم داسې مؤثق او تاريخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته بايد دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راويښولو لپاره نه سترې کيدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې ليک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهيسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکي يې يم. تل يې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم يې خوړلې دی. په ننني سياسي چاپيريال کې چې نړيوالو د افغانانو سياسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راوړلو په خاطر په سلگونه راډيوگانې، ټلويزونونه او خپرونې پيل کړي دي، له هر وخت زيات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسيري.

ښاغلي بزگر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه وياړم چې په کورنۍ کې داسې ننگيالي لرو. زه نه غواړم چې ووايم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته يو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه يم په هغې کې د بزگر صاحب ډېره لويه ونډه ده، او د ژوند تر اخيري سلگۍ به يې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له ليکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د يوه خوار غريب بچي په حيث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې يې نه سترې کيدونکې هلې ځلې کړي دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزگر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره يې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره يې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولې دی، چې ښه بيلگه يې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننگيالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزگر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را ميدان ته شي او پخپله ورته يوازې آسانتياوې برابرې او شاته يې دريري.

ملي رسالت / 26

په پای کې ورته لاډېرې بریاوې غواړم، او ښه متیقن یم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی یې درویشت کاله وړاندې تهداب ایښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره یې د ثواب او سرلورې یوه دوامداره او تلپاتې سرچینه پرېښي ده.

ډېر گران ښاغلی د قدر وړ بزگر صاحب! محمد سرور وکيلي

زما د ميني او ورورگلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنی!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه ياد دي، چي له دې خپره وني
سره سم په ډېرو بهرنيو هېوادو کي نورو خپرونو هم پيل وکړ، خو
ډېرو يې سقوط وکړ او ځينو يې چي شاته گوندي پلوي اقتصادي تکیه
لرله

د سياست له مخي د هغي سياسي تکيې څخه يې مالي مرسته ترلاسه
کول او ترلاسه کوي يې؛ نو بېخي ډېر لږ يې پاته دي؛ خو د دعوت
خپرونه يوازي او يوازي ستاسو په عالي ابتکار، زيار او مالي لگښت
مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.

ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی ليکه نو مي تل پر پښتنو
ليکوالانو د اړخ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپرونې سره مرسته
وکړی، ځکه دا مالي بار پريوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ
ده؛ خو تاسو د دغو ټولو رېرونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او
سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غيرت او ژورناليستي واک په يوازي
سر تر دغه ځايه را ورسوله. تاسو رښتيا هم چي د قدر وړ او د ستايني
وړ ياست. خدای (ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه
وژغوره. امين!

په ادبي درنښت

محمد طارق بزگر ته!

امرالدين سرحد

منډي يې وهلې يو پښتون په کلي کور کښې
دا يې وويل: چي لر و بر سوځي په اور کښې
ماتري اوريدلي په غورو مي يو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انگړ ته په جرگو په مرکو شو
موتی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دی
وينه کی ده مينه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چي «بزگر» دی ژر په کار شي
جوړ دی کړی «دعوت» چي ويجاړ کلي زمونږ ښار شي
خپلو غمخپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زماني او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په «بزگر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانگې يې تودي مخ يې ځلانده وي

ستايش مردى كه قلم را نفروخت!
(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)
استاد كم باور كابلې

همرننگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردى ز گرامى يادگاران
بر خرمن ناكسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگارى
پاكيزه و ناب همچو باران!
كم زاد خجسته اى چو «طارق»
گيتى، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بيند!
آزاده گى اش، زيان نه بيند

د گرانې ملي فرهنگي څېرې طارق بزگر
نمانځغونډې ته زما پېرزوېنې
پوهنمل رحمت ځواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل یوه شعر پېلوم:

لکه تیره د بیابان تل په یو حال یم
ونه، نه یم چې بدله په موسم شم
سر به هیڅ د مریتوب چاته تیت نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د بنایست له پرستشه
که لاهو په اباسین یا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وینه مې بېنلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملگرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېډن کې د زلمو پاڅون ټولنه له یوې وتلې او نامتو
فرهنگي او ملي څېرې محمد طارق بزگر او د هغه د فرهنگي کار او
زیار ستاینه او یادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړی ټولنې ته کور ودانې وایم چې ښه انتخاب، پر
ځای انتخاب او پر وخت یې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته یې
غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالي هم وربخښلې او په یوازې
ځان کلونه کلونه ستر ملي خدمت او دروند تاریخي رسالت سرته
رسوي.

تر کومه ځایه چې زه گران بزگر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظریات
د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له
ډېری درنه ملي-فرهنگي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنگ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان
درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دریو لسیزو کې
ډېرې سترې فرهنگي سټې وښودې، بدرنگې شوې، له ملي گټو په

څنگ شوې او له موسمونو سره هم رنگې شوې، خو فکر کوم طارق بزگر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي-اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترڅنگ ولاړ دې.

دې دا دوه لسيزي اخبار، د سوداگرۍ او گټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پانې په هسې بېولالو نه رنگوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاريخي او جنگجېلې هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپين ته سپين، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايې. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مريان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالې او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېگڼې لپاره شوگيرونه گالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دې.

زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو سترپاوو، شوگېرونو او ملي فرهنگې هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبي راتوکېدلې دغې فرهنگې خبرې ته د سترو ملي فرهنگي کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

دويم څپرکي:

دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون ديگری بود که در ورايش فداکاری و ايثار، بار ديگر وجاهت و حيثيت يک ملت با پيشينه را آشکار می کنند. در آن ساليان، هرچند واژه گاني که بار معنایي «درد» داشتند، در روايت حال مردم، جزو ادبيات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبري ايستاده گی، از حافظه ی تاريخي محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و ميهن، به ايثار می کشيدند.

مقاطعي اند که در بُرش آن ها گاه بُريده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو ميراث های پُرشکوه تاريخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هايی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ريسک کرده بودند.

دشواری رویايی با يک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر اين، بسط مفاهيم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طيف ديگری از افغانان مجاهد را تشويق می کرد تا با کار فکری، فرهنگي و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هايی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جانمی آوردم. از روی تصادف، يافت نشر مضامينم در سايت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت ميديا ۲۴» شد، مرا با يکی از سرد و گرم چشیده گان ساليان ايثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

ملی رسالت / 33

من با شهرت «بزرگ» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت ما، آزمون دیگری سپری شود که در تنازع فرهنگی آن، ثقلت و دشواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته های فکری ام را تقدیم می کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصل می داند، بیشتر می شود، در بستر مطمئن این حدود به خانواده ی بزرگ ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت می مانم و برای بزرگ ها توفیق بیشتر می خواهم که پیشه ی آنان (بزرگ) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

دعوت خپروني نهه ويشتي کاليزې په وياړ سراج الحق ببرک زی خدراني

دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز او د دعوت ميديا څلرويشت ويبپاڼې مسئول مدير يوه وړه ارزونه ډله ييزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل گرځيدلي دي.

ډله ييزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډيو، ټلويزيون، اخبار، ميلفون، لپ ټاپ او د انټرنېټ نړۍ له لارې د رسنيو تر اغيزلاندې يو. ډله ييزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سرچينې په څېر خپل رول لوبوي.

رسنۍ د انسانانو په سياسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سياست پر رسنۍ او رسنۍ پر سياست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سياست او رسنۍ پر يو بل باندې په دوه اړخيزه توگه اتکا لري.

ژورناليست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسؤوليت ور په برخه کړل شوي دي. ليکوال او رسنوال د ولس غږ او سترگي دي. د خبريال يا ژورناليست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبريال د خپلي ژورناليستيکې دندې په تر سره کولو کې څه رنگه خپلي موخې تعقيبوي، څومره پاک انساني نيت او څه ډول ملي احساس لري.

په دې کې هيڅ شک و شويان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنيزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو ليکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکاډميکو بنسټونو او همدارنگه د اکاډميکو روڼ اندو، سياسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړي دولتي چارواکو تر منځ د سياست، اقتصاد، روغتيا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډگر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سياسي فکرونو تر منځ اړيکې، د تاريخي پېښو، تجربو، د ازمېښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې يو ستر پلټ فورم او يو وياړمن مرکزي رول لوبوي.

د دعوت خپروني محتوياتو او منځپانگې په ستره لمن کې تل د انسانيت، افغانيت، اسلاميت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکميت، ملي گټو، د بيان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کېږي.

د دعوت هره گڼه د افغانستان ملي گټو په چوکاټ کې دې ټولمنلې ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئول احساس کړي او يا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

د دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعيض او پاروونکي ليکنو څخه ځان لرې ساتلي دي. د دعوت په اخبار کې هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعيض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي گټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه يوازې ځای شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډير څه لري. د دعوت ميډيا څلرويشت ويپاڼه:

اټکل له پښځه سووکلونو راهيسې اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تيريدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتياو کې په پرلپسې توگه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ييزو رسنيو نوې پرمختگونو ته په کتو سره داسې بريښي چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانگړي توگه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالستيکي کيفيت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي ميډيا يا ډله ييزو رسنيو شونتياوې چې د انټرنيت له لارې په برېښنايي ډېجيتل بڼه خپريږي، د ژورناليزم کيفيت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنيو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چينې گڼلي کيږي. اخبارونه له ډير پخوا څخه خلکو ته د لارښوونې او د اعتبار وړ خبرې سر چينې گڼلي شوي دي. د يوه اخبار يا مهالني ځانگړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات يا ټولنيز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکې هڅه کوي په دغه ټولنيزو ارزښتونو کې د خپلوي يو گډ احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکې په راتلونکې کې د ټولنې د لوړې پرگنې يا ممتاز قشر- سره په فکري ډگر کې ځان گډ محسوسوي.

د دعوت ميډيا ويپاڼه بېلابېل په زړه پورې سياسي او ټولنيز علمي مالومات خپروي. دا ويپاڼه اوس په سلگونو، زرگونو لوستونکي او

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې وييپاڼه کې د سياسي او ټولنيزو مسايلو تر څنگ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالني سره زما پېژندگلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پيل وکړو. د هيواد په دننه او بهر کې د چاپيدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډيره ټيټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هيواد کې خپرونې پيل کړي وې. زه هغه مهال يو کال مخکې تر دې نيتي د خپل گران هيواد له پلازمېنې کابل څخه پېښور ته او بيا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل يو دوست ما ته د دعوت اخبار يوه گڼه په پوسته کې راوليرله. په ليک کې داسي هم ليکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بيا بيرته راوليره او يا يو بل افغان ته يې د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړيو کلونو کې زما سره د اخبار د گډون پيسې هم نه وې. اټکل درې يا څلور کاله ورسته مي د دعوت په اخبار کې گډون وکړو او بيا مي خپله قلمي همکاري هم ورسره پيل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانگه، محتويات او کاري کيفيت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي گټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ترمينالوجيکي ارزښتونو، ملي او سياسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالني علمي څېړنيزه ليکنې، تاريخي ادبي مضامين، د افغان لوړ پوړې سياسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصيتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکي، د اقتصاد، روغتيا او چاپيريال په هکله هر اړخيزه مالومات، په ځانگړي توگه د افغانانو د لسيزو ناورينونو او خونړي جگړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د يووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړيوالو منلي شوي معيارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هيواد پالنې او د هيوادني ميني يوه بله ډيوه گرځيدلي ده.

د دعوت، ډيرې علمي، سياسي، تحقيقاتي، څېړنيزه او تحليلي ليکنې خپروي، د بيان او د آزاد فکر ژمندويي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحيې او سياسي وېښ شعور د پنځولو او جگپولو هڅې کوي. په

ټوليزه ټوگه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنيو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي يووالي، تلپاتې سولې او ملي امن نظم ته را بولي.

د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښيږي چې يوه بې پرې او ناپېيلې خپرونه ده او د هيڅ يو سياسي گوند او هيڅ يوې ډلې ټېلې ته پروپاگنډ او تبليغات نه کوي. دعوت ملي ورورولۍ، سولې او ملي پخلاينه لپاره نه ستړي کيدونکي هلې ځلې کوي.

ډيره د خوښې خبره ده، چې دعوت خپروني خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تير کړي دي. د دعوت خپروني اروپا، امريکا، اسيا، افريقا او استراليا پوري خپلو مينه والو ته رسيري.

د دعوت مهالنۍ او دعوت مېلډيا ۲۴ ويبپاڼې مسوول مدير کاري فعاليت ته له لرې يوه لنډه کتنه:

بزگر صيب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، ميلمه پالنه، د خوښې او خپگان سره مل ژوند لري. بزگر صيب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربيره ښايې په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د ليکلو، ډيزاينولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې ليرلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دريو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لگيږي، چې بزگر صيب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړيا کار کړي دی.

د دعوت اخبار کي مو دا هم لوستلي، چې بزگر صيب د افغانستان د سياسي مسايلو د خپرلو، د افغان غميزې او جگړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډيرو هيوادونو ته د سياسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرگونه کيلو متره لرې سفرونه کړي دي.

زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نيوکو مستحق يواځې هغه څوک کيدای شي، چې دی د کډوالۍ په شرايطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.

د دعوت مهالنې ډيزاين او تخنیکي چارې همدرانگه د څرنگوالي په برخه کې ښايې د ځينو په سترگو کې کمزور تياوې شتون ولري. دا بايد

په یاد ولرو، چې اوس د دعوت مسئول مدیر نور یو بې تجربې او غیر مسلکي سړی نه گڼل کیږي.

زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چې د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.

د دعوت د معتبرې مهالنۍ د فعالیت، پایښت او ښې په اړه یو وړاندیز: د دعوت خپرونې مسئولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چې د خپلې خپرونې بڼه یوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې میاشتني مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کې په یوه ښکلي ډیزاین کې چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کې سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتيايي، چاپريال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې څېړنې او ارزونې خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، خو د هرې مسلکي څانګې په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې ځانګړې موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځې او یواځې د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلي ډیزاین او رنگه انځورونو کې خپره شي. مجلې ته په پیل کې یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کې د افغانانو په کولتوري مرکزونو کې وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپېگل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیتیک مجلې ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپرونې نوویشتمې کالیزې په ویاړ: زه د یو لوستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپرونې د ۲۹ مې کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکې وایم.

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيز خبريال بزگر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کډوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توگه مديريت کړي او تر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزگر ته د وياړ او خوښې ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډيرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د گډوالۍ په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تگلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک گرځيدلي دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولنې لوړ پوړي پرگنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو گډ کور گڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم گټلي دی.

به مناسبت ۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستمی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸-۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجله‌و دعوت و سایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورنده شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساخته وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

می کند و اگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از در خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصه زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آینده جامعه معرفی کرد.

جوانان نیز علاقمند اند تا از کرکتر و کارنامه آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کثی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطن دوستی از آزمون زمان موفقانه عبور کرده باشند،

نخبه گانی استند که مایه افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمره خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

گُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پر آب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایه حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانواده منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسه نادریه کابل را تمام کند و بقیه پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متأسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروشش را ادامه داد و در رشته علوم سیاسی و اسلام از اسلامیة کالج و پوهنتون پیشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناروی برخوردار شد، و در رشته کمپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشته ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربه زیات بوده و در عرصه ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشته ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجله ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجله دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بردارد.

به تدریج علاقه مندان دعوت در کشورهای دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.

با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینک از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسئول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحصیث یک افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

ملي رسالت / 45

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پانه عبدالغفار جبير

د ((دعوت)) مجلي او ويب پاڼې مؤسس ښاغلی مشر- ورور محمد طارق بزگر صاحب هغه څوک دی چې د لومړي ځل لپاره يې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لگښت سره په ۲۰۱۰ ميلادي کال کې چاپ شو، که زه په لنډو کې درته وليکم: ((ښاغلي بزگر صاحب زه ليکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ يا ۹ کاله مخکې دعوت ويب پاڼې ته ليکنې لېږلې، چې کله به مې يوه ليکنه ولېږله، د دوهمې ليکنې لپاره به بزگر صاحب تشويق راکړ، او به يې هڅولم چې بله ليکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساينسي- څېړنې ۱ ټوک) هم د ده په کوشښ په سويلن کې تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزگر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنيا او آخرت کې پوره عوضونه ورکړي. (امين)

د ښاغلي محمد طارق بزگر صاحب ښکلي ويب پاڼه چې مخکې د (افغان سباوون) په نامه او بيا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره يوه هر اړخيزه او معلوماتي ويب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکې همدغه ښکلي پاڼه اقلًا په ورځ کې څو څو ځلي گورو؛ دا ځکه چې داسې ليکنې پکښې شتون لري، چې په نورو ويب پاڼو کې نشته او بې بېلگې دي. اسلام، سياست، ساينس، سپورت، تاريخ، د نړۍ هيښونکي او هر ډول ليکنې، کتابونه او وېديو گانې پکښې شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولې پيغام، د ښکمرغۍ ولولې، د سکون ټکور، د پرمختگ لارې چارې او داسې نور اړين توکي پکښې پراته دي، نه يواځې د هغو افغانانو ولولې او احساسات منعکسوي چې په لويديځ کې اوسېږي بلکې د گران هيواد افغانستان ورځنۍ تودې پېښې او ناخوالې هم پکښې رانغښتې دي، چې همدا د دې ښکلي پاڼې يوه ځانگړتيا ده. د بزگر صاحب په دې نړيواله پاڼه کې علاوه له دې څخه چې افغاني او اسلامي ليکنې خپرېږي بلکې ازادې ليکنې هم سته، چې گېدای سي همدغه ليکنې په ډېرو ويب پاڼو کې شتون ونلري، چې مطلب مې دا

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورناليزم د اصولو مطابق د بيان ازادي يې هم پلې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستي او يا يې هم لولو، هم خارجي مجلې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هر اړخيزه مجله ده.

بزگر صاحب موږ د ((دعوت)) مجلې هره گڼه راليري. کله د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گڼه جوړه سي چي بيا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيا يې تر ملگرو او دوستانو پورې رسوو، چې له دې ښکلې مجلې څخه موږ هر څه لکه: سياست، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه په دا هر څه په يوه جمله کي را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعوت مجله او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعارف دی.)) الله جل جلاله دي و بزگر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملي وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

د دعوت ۲۹م پسرلی قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پېچلي، د ناوړینو او ناندریو ډک تاریخ کې، نژدی ۲۹ کله مخته د نومبر په میاشت کې، د دعوت تر نامه لاندې، محترم طارق بزگر، د خپلو او د خپلو مینوالو د احساساتو د بیانولو، څرګندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخه د عامو ولسي-وګړو د خبرولو په خاطر، د فقر او بې وطنۍ په فضا کې، د ناروي د هارایډ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا په داسې حال کې چې نه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومره وده ورکړل شوي وه او نه د اوس په څیر د لیرد رالیرد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوټري او یا تیلیفوني سهولتونه شتون درلود. یواځنې وسایل چې ترې ګټه اخیستل کیده د فکس ماشین او یا هم د پوستي خط وه. د فکس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چې محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترڅنګ د شپې تر ناوخته پورې په پوسته کې راغلي لیکونه، شعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یې په خپله میاشتنۍ خپرونه کې د خپریدو له پاره آماده کول. هغه وخت دغه څیړنیزه سیاسي ټوله به لمړۍ چاپ او بیا به ټولو مینه والو ته د پوستې له لارې ور لیرل کیده، چې پوستي مصارف به یې هم پخپله د دعوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترګو شي چې د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورته کولو کې لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپل ولس او د ولس منوري طبقې ته د خپلې سیاسي ټولې (دعوت) ورلیرل د خپل ځان لپاره یو چلینګ ګڼلی و په دي خاطر یې د خپلې هغه پانګې څخه، چې د خپلو متو په زور یې ګټله، ډیره برخه د دعوت په چاپ او بیا د دي سیاسي او ټولنیزې ټولې په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوې توری تیاری سره مخ و. دهیواد په سیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشت حاکم و. په سلگونه زره انسانان د وخت د بیرحمة حاکمانو د تیږو له لاسه د خاورو خوراک ګرزیدلي

وو. ولس مو په مختلفو ګاونډيو او اروپايي هيوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندۍ بوري شوي وی، ناوي کونډۍ شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کي د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راډيوگانو خبرونه اوريدل هم مرګوني جرم ګرزیدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنېټ سهولت شتون درلود او نه د سپورمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغېړنو او د ناندریو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنۍ د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مثال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرګنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او ګواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنېټي دوران کي يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او نارويژي ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنېټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنېټي خپرونو له لاري په نړيواله توګه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تاسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي ګامونه اخيستی، د هيواد د ملي ګټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنۍ روحیه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کي د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

ملي رسالت / 50

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي یی انتیر نیټي لیکني تعقیب کړي، په هیڅ یوه کي یی هم د هیواد سره د میني او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه خوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نسبي نه دي څرگندی شوي، بلکه په یوه متحد پلیټ فارم د ولس د راتولیدو دروند مسؤلیت یی په غاړه اخیستي او تر اوسه پوري دغه دروند مسؤلیت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ایښوونکي مسوول مدیر، محترم محمد طارق بزگر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مې کليزي په مناسبت د زړه له کومی مبارکی وایم او د الله تعالي نه ورته په دي اړه د لا زیات توفیق غوښتونکي یم.

۲۹ کاله دعوت وشو، خو زمونږ د وېښتابه کار څنگه شو؟ محمد آصف ننگ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله يعني د يو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼي دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنوير ماموريت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن مياشتنې مجلې او بيا د اقتصاد مياشتنې مجلې د مدير مسوول په حيث مسووليت درلود، راته معلوميري چې د ټولنې د بيدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې دروند، له مسووليت او زحمت ډک مزل، چې بناغلي محمداطريق بزگر او ټيم يې پوره ۲۹ کاله طي کړي، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدرداني وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلي شخصيت قلم او پيام پياوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړي چې د غفلت له خوبه راوبښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختگ له کاروان سره دې دوی هم سيال شي.

دعوت خپرنډوی مرحلي:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه يې په څو مرحلو کې څېړلې شم: (۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغونې او تحمل پيامونه پکې کم چلیدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختگ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډير اوریدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې يو روڼ آندۍ قشر- وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پيامونه کم او د وطن او وطن پالنې پيامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بيا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د ليکوالانو قلم نه چلیده. محدودیتونه هم پريمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن ليرې و خو مخاطبين يې په

ايران، پاکستان او غربي هيوادونو کې تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کې د وطنپالنې تر څنگ، خپله بې طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره يې ښې ډېرې مقالې خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زموږ په تاريخ کې د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کې د افراط تر حده د ديموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کې دوه درې پديدې د بحث وړ دي. اول دا چې رسنۍ غريزې او چاپي ډېرې شوې، بيا يو څو کاله وروسته پسي بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنيزه وسايلو کې خو شوقي او تفريحي برنامې ډېرې دي، خو د خردمندی، بيدارۍ، تعقل، تربيت او هدفمنده ماموريت ته د ولس د توجيه کولو او بسپچ کولو پيامونه پکې ډېر کم خپاره کيږي.

پدې حاضر دور کې خواله رسنۍ، تويتر، فيسبوک او... هم پرې اضافه شول، چې د پيامونو د مديريت او سانسور سلسله يې ختمه کړه؛ بې بندوباري يې وزيروله، د حق او باطل، د سهې او غلط او د گټور او مضر پيام او خطاب تفکيک يې مشکل کړ.

بل دا چې پدې مرحله کې د چاپيزو رسنيو، يا پرنټ ميډيا، نقش ډېر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زيات شو او هر څه په ډيجيټل بڼه واوښتل.

پدې حاضر دور کې دعوت او بزگر، دواړه بڼه چلیدلي. د تيرو ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توگه وکتو، واقعاً ډېر عالي پيامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښې تگ شوی، ابله بازاری او اپلت پيامونه او مقالې قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کې د سولې غوښتونکي، چاپيريال او محيط زيست، معادن، منابع، اقتصاد، سياسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزگر صاحب په اړوند رسنيو کې د هنر برخه هم ښکلي اثار لري. د محلي نايابه موسيقۍ کليپونه، تصويري هنر، جالب عکسونه او... د دې ټولو معنا دا چې دعوت د عصر په ژبه بڼه پوهيږي، اعتدال او معقوليت بڼه ساتلې شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي. سپارښتنې:

سپارښتنې مې هم مختصره دې. ويپ پانې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يې ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چې که دعوت د مهالنې يا فصلي مجلې په حيث په عصري او رنگه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پيدا کړي.

ډير خلک انترنيت ته لاسرسی نلري، او يو زيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکره بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې څو پوهنتونونو را شروع شول او څلويښت کاله يې دوام وموند؛ وطن يې هم ړنگ کړ او دوه ميليون وګړې پکې شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چې مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چې امتنان يې وکړم.

له چلونکي تيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلې څخه يې... رڼا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کې درکړي.

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترگي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کې روڼې کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجې د هري ورځې مهال وېش وو.

۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوش کال دی چې زه په لومړي ځل په اول نمرگۍ سره دریم ټولگۍ ته بریالی سوم، او په ټوله ښوونځۍ کې به فاتحانه او مغرور گرځېدم. دا ابتدايه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښين اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کې وه، چې اوس د جمالدين افغان ليسي يا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه يادېږي. دا چې د دې تعليمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملگرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې څارونکي تل د همدې ادارې وه. يوه ورځ يو څارونکی له يوه بهرني سره ملگری ټولگۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د يو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دوديز سبک له مخه د پښتو کتاب د يوې پاڼې د متن ويلو وويل؛ چې بايد په لوړ رغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وويل. بهرني فکر وکړ چې ده لکه چې همدا څو پاڼي ياد کړي؛ په لاس کې ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وويل چې له دې مجلې څه ووايه! ما چې د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وويل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کې ليکل سوي:

((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وايي.)) نوري پاڼو کې هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چې به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به ورغېدم.

وروسته څو نور ټولگيوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جگېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چې تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.

ښوونځی، کلي او کور کې اوازه وه چې سردار ولي ته ئې انعام کې (کتاب) ورکړی، هغه هم يوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چې هغه وخت کې موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

ملي رسالت / 55

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينگار ډول ساتل. کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د خو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندي ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم. اټکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

دعوت

(ډيرو هغو پيغللو او ځوانانو لپاره چې خپل هيواد
نلری د يوې لارښود په حيث خپل رول لوبولی دی)
شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنياد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو
معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تيروي. ويښ انسانان، قومونه، ولسونه،
او ملتونه تل کوشن کوي چې معلومات يې د حقايقو پر بنسټ ولاړ
وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کاميابه، سرلوړي، پر خپلو ځانونو
معتقد او خپلواکه ژوند کوي.

که په تيرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه يو له بل سره پرتله کړو
نو په ډيره اساني سره به ووينو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو
ښکار شوي دي نو يا خويي نوم او نښان ورک شوی دی او يا د تباهي
ښکار شوي او د ذلت او د بل واکي په تورو شپو کښې د محتاجي ژوند
تيروي.

که چيرې مونږ د افغانستان دې تيرو څو لسيزو ته يوه کتنه وکړو نو پدې
به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غورونو تر ننه پورې
رارسيږي ترينه تر څومره د پرديو گټو دپاره استفاده شوې ده او څومره
زمونږ د تباهي او بربادي سبب گرځيدلی دی.

د دغو ټولو حقايقو په نظر کي نيولو سره بايد ووايو او دا ومنو چې
معلومات او رښی زمونږ د ژوند او مرگ سره تړلي دي. دا بايد ومنو
چې سپيڅلي ژورنالستان هميشه د خپلو پرگنو او ملتونو گټې له خپل
ژوند څخه برترې گڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښې ويني.
نو ځکه په ډيرو ځايونو او حالاتو کښې دغه سپيڅلي انسانان د ظالمانو،
وحشتگرو او د بي ضميره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو
کښې غورځول شوي او ډيرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.

ښاغلي محمد طارق بزگر هم يو له هغو سپيڅلو ژورنالستانو څخه دی
چه خپل ټول عمر يې د خپل جنگ خپلي ولس ته قرباني کړی دی او
د خپل ملت اواز يې په هر ځای، هر وخت او هر حالت کې ژوندی
ساتلی دی.

ملي رسالت / 57

دعوت دا يوازی نه چې يوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډيرو هغو پيغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هيواد نلری د يوې لارښودې په حيث خپل رول لوبولی دی.

کله چې زه د لسو کالو په عمر کې له خپل ټاټوبي افغانستان نه له خپلې کورنۍ سره وشړل شوم او بيا وروسته د اروپا او امريکا ښارونو کې سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره گرځيدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څير نورې ملي خپرونې وې چه ما ته او زما پر څير ميليونونو نورو ځوانانو ته يې د خپل هيواد کيسې کولې او زمونږ زړونه يې له خپل ټاټوبي سره پيوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ يواځې دا نه چې د خپل هيواد له حالاتو خبريږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کې د خپل هيواد او خلکو د سوکالۍ له پاره هلې ځلې کوو.

دعوت، هيڅکله د چا د تاثير لاندې نه دی تللی او نه به ولاړ شي استاد کاظم بیمار ننگرهارى

د دعوت جريده د خپل تاسيس له ورځې څخه بيا تر نن ورځې پوري د گران هيواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره پيرې هلې ځلې کړيدي او کوي يې. دعوت هر مشر- او کشر- رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو گرځيدلي، او د هغوی افکاريي راټول او بې له تشبه يې نشر کړيدي.

د دعوت وظيفه د هيواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو وياړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هيڅکله د چا د تاثير لاندې نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قيام کړيدی او په دغه لار کې بې له ويرې مخ په وړاندې روان دی.

دعوت، کورنی او بهرنی دښمنان رسوا کړيدي او هيچا ته يې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه يې چې ليدلې هغه يې رسوا کړيدي. دا وزينه جريده د هيڅ فاسد حاکم او جنگسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال يې په ميرانه او مردانگۍ رسوا کړيدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په ميرانه وجنگيد او د خپل ملت په راويښولو کې يې پراخه ونډه اخيستي ده، او تر هغه وخته وجنگيد تر څو چې سور استعمار په شا تگ ته مجبور شو.

دعوت د گاونډيو هيوادونو لاس وهنې غندلې، او په تيره بيا د ايران اخوندي نظام ته يې په هيواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړيدي، همدارنگه، هم يې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډيورند د کرښې په شا وخوا د اغزن سيم په ارتباط د پښتنو د حق خوداراديت موضوع په کلکه ذکر کړيده.

ملي رسالت / 59

دعوت د پښتونستان د مسئلې د حل کلک ملاتړ او د فخر افغان پاچا خان د مشي او پالیسي سخت پلوی دی. په گران هیواد افغانستان کې د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یې هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یې وطنوالو ته دا ثابته کړیده چې دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کې به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کې همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستی غږ یې او حرکت یې ژوندی ساتلی دی. او هر کله یې چې بی روا او بی عدالتي لیدلې ده هغه یې رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکي ابتکار او منډې ترې دي چې دعوت لا هماغسې - ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یې د هیواد تکړه شاعر گل پاچا الفت صاحب داسې وایي:

سرگردان وي په جهان هغه مړونه

چې د خپل وطن غمونه یې په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کې په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پرې مونږ ویاړو.

ميرمن شكريه باركزی د دعوت د ۲۹ مې کليزې په وياړ

ش. باركزی:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ. ډير وخت نه کيږي چې زه ووايم چې د دعوت لوستونکي يم. اول غواړم چې مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوري فعاليت د هېواد نه د باندې ډير سخت دی، ډيرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډير دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربيره پردې چې هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سياستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډير د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پريږدئ چې لږ رښتيا هم ووايم.

بی بی سی فارسي چې وينم، کله ناکله فکر کوم چې ولي دا د ايران خلک هر چيرته چې دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مگر ستاسو نشريې دا راته وښودله چې نه، موږ يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريې له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډير د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چې زه ډيره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کې وم نو ډير به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د گټو او ملي شتمنيو، خيرو او ملي خيرو نه دی چې بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته وروپيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په ځغاسته تيريري، لکه پرون داسې مې په یاد شي چې په پېښور کې د دعوت د خپروني د بنسټگر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چې زما ډېر نږدې دوست او ملگری و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو گڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کې ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يې تنظيمي وې چې يا په خپلو تنظيمي لاپو پټاکو او يا هم د جنگ او جگړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخېدې، د هېله مندي مطالب په کې کم و. زما په څېر يو زلمی کډوال ته چې لا تر اوسه يې زده کړې نيمگړې او راتلونکي يې نامطمین مگر هيلې زياتې وې ناهيلونکي وې. مگر د دعوت په جريده کې مې برعکس هغه څه پيدا کړل چې مايي لوستل غوښتل:

د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنگ ازادې شننې، خپلواک نظريات او د داسې ملي شخصيتونو سره مرکې چې د کډوالۍ په چاپېريال کې په نظر نه برېښېدې مگر نومونه يې آشنا او هيلې ورته زياتې وې.

په ټوله کې جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالی، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته گواښونه او فرصتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.

په ۱۹۹۱ ميلادي کال کې زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کې نه انټرنېټ و نه ازرانه موبايل تليفونونه او يا د اړېکو نورې اسانه وسيلې. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کې نور د علاقه مندي څه نه و پاتې؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کې په خبر يا مضمون ارزېده. مگر په افغانستان کې خبرونه ډېر او اکثر يې د اندېښنې وړ وو.

د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلگۍ وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يې د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

تياري نيولې. په داسې وخت کې همدومره چې په گران هېواد کې پېښې دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېريوالی او بې خبري. نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتې کېدو لپاره مې د دعوت د جړېدې سره اړېکې اړينې وبللې. ښاغلي بزگر صاحب ته مې ليک او خپل ادرس ولېږه چې په پيرزوينه يې له هغې وروسته د دعوت جړېدې په مسلسل توگه راستولې او په دې توگه يې د گران هېواد د ترخه تاريخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کاليزې په مناسبت څخه په گټې ښاغلي محمد طارق بزگر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه يواځې ما سره د دوی د ځانگړي پيرزوينې بلکې همدارنگه د هېواد د تاريخ په ډېر حساس پړاوو کې د مطبوعاتو په ډگر کې د دوی اغيزمن تاريخي مسوليت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو يې ورته مبارکۍ وایم او د هسک څښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کې لا زيات برياليتوبونه او سرلوړۍ غواړم.

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او که هېر شوي مي نه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شوي وو. په هغه وخت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنګ به له پېښور څخه خپرېدې. په لندن کې د ستميانو ورځپاڼه (اميد) تر هغه وخته او تر څو کالو وروسته پورې داسې نشریات درلودل چې نه ورته افغانستان، نه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلود. د دوی همفکرانو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کې چې لا هم جنگ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.

نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايډ او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې په افغانستان کې د روان جنگ او داخلي پرديالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېري. دعوت له کوچنيوالي نه په بېره ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديالو په مقابل کې د پوهاند هاشميان د آينې مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و گرځېده. محمد طارق بزګر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعوت چاپاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپا ته استوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی به هرومرو د خپلې کورنۍ د آرزوقي ډېره برخه د جريدې په نشرولو او پُستولو باندې مصرفوي.

د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعوت د لاسي ليک نه چاپي ليک ته ورسېده او د پُستې پر ځای د انټرنېټ له لارې لا هم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.

څو کاله وړاندې محمد طارق بزګر پرېکړه وکړه چې يو انټرنېټي تلوېزيون منځ ته راولي؛ څو د نړۍ په ټولو برخو کې افغانانو ته د دعوت له جريدې نه لاس ته راوړي او پر وخت خبرونه او پروگرامونه ور

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروگرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له اېډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي ټلوېزيون کې داخل کړي.

زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونږگرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.

محمد طارق بزگر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنگ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه گرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنگ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرۍ او را پاتې کړاوونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوي سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنگ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درگومی کړاوونو باندې له هر نظره څېړنې شوې دي.

زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزگر صيب تر څنگ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

ملي رسالت / 65

هېرېدونکي مقامونه گټلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزگر صیب ته دې الله ج توفیق ور کړي چې د دعوت ځینې تاریخي فایلونو مواد د کتاب په ښه هم راته چاپ کړي. زه حاضر یم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هیلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت ننه ويستمه کلېزه دې مبارک وي محمد نقيب تره خيل

ښاغلي محمد طارق بزگر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایي چې باعزته خلک با اخلاقه با صبره با حوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملگري کې وفادار پاتي کېږي.

زه له ۲۰۰۱م کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزگر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم یو. احساساتي جذباتي او د باجگېرۍ خبرې چې هېواد، ولس، قوم، ژبې، دین ته خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصیت یی د فضیلت، تقوا او د ښو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېټ ښه کوي چې یو وخت به یی بدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایي، دا هم اخلاقي عمل نه دی. اخلاقي عمل هغه ده چې د ځان د خوښي او گټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلې په اړوند به له بزگر صیب سره د شوي عمل یادونه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزگر زما د پوښتنې په ځواب کې داسې وویل:

افغان کولتوري ټولنې کولن کې غونډې ته بللی وم. د دعوت یو گډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د گډون روپې دی راکړي. وېې ښه! ښایسته څنډ وروسته راغې. له یو ملگري سره ولاړ وم. د پنځه گون اېرو لوټ یی راگذار او پر ځمکه ولوېد. راوامي خيست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه گون ورکړی، هاغه هم د سوالگر په څېر.

هو؛ د قناعت ښه یی دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یی نه د چا ملاتړ او نه یی د چا مخالفت کړی. د وينا تر حده عمل یی

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلګرو د هغوي د ګوډاګیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله ګرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یی د زړه ورتوب نښه ده.

پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامي ورپدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یی کولتوري ټولنې په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکي او استرالیا کې جوړې کړې غوندې یی وکړې، مجلې یی راوویستی، سایټونه یی جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یی ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاپنان، جنایتکاران او فاسده ادارې یی نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزګر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندګلوی امکانات یی هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وګڼل نو ځکه د پرګنو ترڅنګ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندي تل پاتي وفادار لري چې هر رېښتني افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووايي.

دعوت دې سل کلن شي زاهد جلالی

د دعوت خپرونې له نامه سره له ماشومتوبه اشنا یم. هغه مهال زه د هجرت دیار د نوښار سیمه کې د جلوزو پر سړک په یوه کمپ کې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزگر صاحب تر کلیو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بیا چې ځوان شوم، انټرنېټ سره اشنا شوم، لیکنې و ژباړې مې پیل کړې، دعوت انټرنېټي پاڼه یو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کې د سترو لیکوالو تر څنگ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنایي اوږده شوه او تر دې ځایه راورسېده او لا پر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښکاري. یوه دا چې له هماغه پیله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو لیکوالو لیکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نگارگر، هاشمیان، څیرکیار او نورو سترو لیکوالو او پوهانو سره یې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نن سبا خو د هرې رسنۍ پر تندي د ((ازاده او خپلواکه)) شعار لیکل شوې، خو تقریباً هره رسنۍ د یوه جهت له لورې تمویلېږي او د نورو نظرونو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نه ده. دعوت کې رښتینې ازادي شته. زه تل دوستانو ته وایم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای یې دعوت دی.

د دعوت تر شا ایګي یوه سټه ده او هغه طارق بزگر صاحب دی. بزگر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً یو محترم او د پراخې سینې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلینو د مجلې مسوول، بزگر صاحب راته څو وار په خپله ویلي چې د محصلینو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د یوه کتاب د چاپ لګښت یې په خپله غاړه اخیستی، تر څو د سید جمال الدین په اړه دغه

ملي رسالت / 69

ليکل شوی کتاب په ټيټه بيه د خلکو لاسونو ته ورسېږي او د هغه په اړه پوهاوی زيات شي.

بزگر صاحب، فرهنگ دوسته سړی دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختګ له پاره يې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي. بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه يې احترام کوم او هيله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په خير نور نوښتونه هم وکړي.

د دعوت د خپروني او ويپاني په هکله يو څو ټکي

ډاکټر محمد نواب ويساند

وروستيو نږدې څلورو لسيزو پرله پسې غميزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زيانونه وړول. نيم ژوبله توليدي بنسټونه يې په بشپړ ډول ويجاړ، کاري بشري ځواک يې له هېواده د يو زيات شمير په کار پوه کسانو په وتلو سره وپاشه او د ټولنيزو رسنيو (مېډيا) چارې (چاپي، انځوريزې، غږيزې)، چې د دولت د درې گونو قواوو (اجرائيه، مقننه او قضائيه) وروسته په سياسي، ټولنيزو، کولتوري او اقتصادي ډگر کې د سمې او په واقعيت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د يوې څلورمې قوې په توگه د ټولنې د پرمختگ او رښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانگړې اغېز درلودلای شي، هم ټکنې کړې.

خو د خپروني گټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هيوادونو کې مېشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هيوادنۍ مينې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوريزو او غږيزو خپرونو له لارې د خپلو شونتياوو، وخت او شرايطو ته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت مېډيا، چې په پښتو، دري او انگليسي-ژبو خپروني لري او اوس يې ۲۹ يمه کليزه لمانځل کيږي، د يو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورناليست او په خپلو خلکو او هېواد مين شخصيت ښاغلي محمد طارق بزگر له خوا د پراخه هلوځلو او زيار وروسته په کار پيل وکړ. په دغه تيرو کلونو کې يې نه يواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډگر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تيريدو سره يې د يولړ نوښتونو په راوستلو د ويپاني بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وېښله، چې د خپلې ځانگړنې له کبله د ډېرو معتبرو ويپانو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکونکي ځای لري.

د دعوت ميډيا، نه يواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسۍ يوه په زړه پورې سرچينه وگرځېدله، بلکه د ټولنيز ژوند د بېلابېلو فتنو پورې تړلي علمي او اکاډميکو مالوماتو خپرول، چې د وگړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختگ سره مرسته کوي، ځانگړې ارزښت لري. لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ويېپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه گټه پورته کړي او هم يې د نورو همفکرانو سره شريک کړي.

دعوت ميډيا، د کلتوري او فرهنگي ارزښت درلودلو ترڅنگ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوريو په راسپړلو، ناخوالو او بي عدالتيو په گوته کولو او د پرديپالو او ملي گټو ضد خبرو په افشا کولو او همدارنگه د نورو منفي پديدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتينو بچيانو په راويښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.

زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهيسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انټرنېټي ټکنالوژۍ د نړيوال کېدو له برکته سره نژدې شوي او نښلول شوي دي، د دعوت ميډيا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نږدې او لېرې پرتو سيمو اوسيدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولي دي.

خو له بده مرغه زموږ د هېواد يوزيات شمېر بي وسوه افغانان د اقتصادي او امنيتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وگړو (انټرنېټ ته د نه لاس رسې له کبله) په څېر گټه پورته کړي.

د دعوت ميډيا له لارې نه يواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسري سولې د ټينگښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځيزو چارو د ټيکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړانديزونو د خپرولو اغيز يې هم له پامه نه شو غورځولای.

ملي رسالت / 72

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپروني د کلزي مبارکي وایم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یی .
وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا خپرونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړینې موضوع د ژر پیدا کولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

د دعوت د نهه ويستم خپرنيز کال په مناسبت دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جگړې د پيل نه راهيسې، مهاجر افغانان چه د نړي په مختلفو هيوادونو کې يې تيت او پرک ژوند له سره تير اوه د لاندې دوه ديلونو په بنسټ يوې اغيزمنې مطبوعاتي کميونیکيشن لاسوند ته اړتيا ليدل کېده:

— خپل منځي اړيکې د تامينولو په مقصد

— د وطن د حالاتو نه خبرتيا

دغه اړتيا د افغانستان نه د باندې افغاني مېلېا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کپوالټوب په لمر يو کلونو کې د نړي په گوت گوت کې بې شميره خپرونو په کار پيل وکړ چه زياتره يې د بهرنيانو له خوا تمويل کيدلې. د وخت د تيريدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تير شو؛ يوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

— د تمويل ډاډمنې سرچينې

— مسلکي مديريت

— تکړه قلمي همکاران

— د لوستونکو هرکلي.

د افغان مهاجرينو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لږو خپرونو څخه گڼل کيږي چه د نوموړې معيارونو په بشپړيدو، توانيدلې نهه ويشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هيواد د اوږدې غميزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاريخي شخصيتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پيکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتې وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مينو افغان شخصيتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او گډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولري.

دعوت د خپل عمر په اوږدو کې د افغانانو او په ځانگړې توگه د افغاني کډوالو په منځ کې د نظر د تبادلې د باوري وثيقي په توگه پيژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمينه برابره يې کړې ده. د ژبې، قوم، سيمې او مذهب د تعصبونو په وړاندې د ټينگ ملي مورچل د دريځ نه د مقابلي جوگه شويده او د افغانانو د سياسي شعور د ودې په استقامت يې اوچت گامونه پورته کړيدي.

د پيژندل شوې قلمي همکارانو سره اړيکې، په پښتو، دري ژبو خپرونې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمو وروستي خبرونو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د يو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توگه د دعوت چلونکو ښاغلي بزگر ته د دعوت د نهه ويشتمې کليزې په مناسبت مبارکي وایم او ورته د هيواد په خدمت کې د لاسياتي هڅې او زيار هيله کوم.

دعوت د افغانانو د ملي روحيې او ستراتيژيکو روابطو کې لوی رول لوبولی دی فهميم نظيمی

ما د ښاغلي بزگر صاحب سره ډير کلنونه پخوا په يوه ميلمستيا کې په لندن کې وليدل او په تصادفي توگه اشنا شوم او له همغې ورځې د دعوت ويبپاڼې او مجلې دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهيسې د ښاغلي بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هيلو، نظرياتو د خپرولو، وطنوالو او نړيوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسيله گرځيدلې ده. د ده مسلکي پوهه او هاند او زيار د دې باعث وگرځيدل چې نوموړې ورځپاڼه چاپي او رسانه يي خپروني وکړي او ډير زيات مينه وال پيدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز د افغانانو د ملي روحيې او ستراتيژيکو روابطو په ټينگولو او نړۍ والو ته د افغانستان د حقيقت او واقعيتونو په رسولو کې لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کيږي چې ښاغلي محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټيم شپه او ورځ په پوره ايماندارۍ او مسلکي مهارت او لياقت کار او زيار ايستلي او لوی مطبوعاتې او ژورناليستيکي خدمات يې په پښتو او انگليسي ژبه وړاندې کړي دي، چې خورا زيات د قدر او ستايلو وړ دي. د ده دا ټولې لاسته راوړنې په ډيرو کمو اقتصادي امکاناتو تر سره شوي او لا هم روانې دي.

د دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنيټي سايت او فېسبوکي خپروني اوس جهاني شهرت موندلي او خورا ډير مينه وال لري. زه فهميم نظيمی د ښاغلي بزگر صاحب د زيار، هاند، لياقت او مسلکي پوهې او د وطنپالنې د عالي روحيې په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومې مبارکې وایم او وياړم چې ښاغلي بزگر صاحب او د ده ټيم دا ټول صفات په تېرو څو لسيزو کې د عمل په دگر کې افغانانو او نړۍ والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدايه ورته د لا برياوو هيله کوم.

دعوت د انسانيت بېکسيار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانگو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وايي ((يو شور يې د شهرت و چې شوم پېښ په پېښور))، هغه وخت په رښتيني مانا کابل ته مخاطب کېدای شوی. ما تازه تازه شعر او مشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینو داسې په غېږ کې اخیستی وم چې ستریا او بې خوبې مې هلو پېژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروايي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرگ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتې ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پاړسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وايي.

هو البته یو څیز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې گوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له گوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خور را خور کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره سترې مشي، خواره مشي وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینګلی شو، یانې له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستي امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمي اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرگ منظر، ادم خان درخانی، غم غلط، د بیلتانه ټپي او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالګین طنزي ډيالوګ لري:

- ولوبدې؟

- هو

- ژوبل شوې؟

- نه.

اوس نوزه داسې لوېدلې وم چې د خوږو بيان يې نور هم په ناسور زخم د مالگې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه يو همژبې، نه يو کليوال، نه يو دښوونځي يا پوهنځي ملگري، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشيني، هېڅ هم نه، ابې مړه تبه شلېدلې.

د نهيلې، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروايي حالاتو کې، د اروپا په دائيم الدائم تورو ورېځو، يخونو، بارانونو او ځول کې چې ښايي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې يو دوه گامه ژوندون لنډول

د اروپا زنده گي څه زنده گي؟

څه گورم چې يوه ورځ بيا يو ((دعوت)) راغی. اول خو لکه هغه چې وايي، مار خوړلې له پري وېرېږي، لږ غوندې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مې پرانيست او ومې لوست، کيسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره توپير درلود لکه بېخي له کومې بلې سيارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کرې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ايزم دعوت و، نه د کوم گوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې. دغه دعوت د افغانيت دعوت و، دغه دعوت د اسلاميت دعوت و، دغه دعوت د غيرت، ننگ، ناموس، حيا او د وطن د مور د پړوني دعوت و. دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، ميندو د لوپټې دعوت و چې:

چاپې پلو ليدلې نه و.

اوس د جمرود په غاښي ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه يوه تر سکونه وطني ورمه راتله، چې پکې د ممانو، گور گورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاڼي خټکيو، بغلاڼي هندواڼو، قنډاريو انارو، جوزجاني پستو او خوستيو جلغوزو رنگونه او خوندونه لکه د گوتې غمې پکې را ټول شوي وو.

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلویو خلاف د افغان فیلسوف گل پاچا الفت دغه ناره بې لدې چې د هرې گنې پر تندي لیکلې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسيزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او په وطن مینو افغانانو د مبارزې تود سنگر و، دی او وي به ان شالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت په وینا: وخت د اعتراف دی گونا خپله ورته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانی، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولگه یا د هیلې مجلې کومه گڼه مې، هغه هم د چا پر لاس ور لېږلې وي والله اعلم؟ خو ښاغلي بزگر د دعوت هره یوه گڼه، نه یوازې یوه گڼه بلکې د یوې گڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خبر چې زما په شان به یې په لسگونو او سلگونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او ټولو هغو ملگرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت گڼې رسولې دي د دعوت کلزې په ویاړ ښاغلي محمد طارق بزگر، ډاکتر محمد فرید بزگر، د بزگر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخي مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسالې او ازانگه یې د افغاني رسنیو په ټولې کې مه کموې. امین، ثم امین!

له دعوت سره د ملگرتوب له پيله تر نن ډاکټر جمشېد سمون

له هماغه پيله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او منلي ژورناليست درانه ورور محمد طارق بزگر راته په نږدې راتلونکي کې د دعوت د ۲۹ مې کليزې او په هکله يې د نظر او يا څه ليکلو پوښتنه مخه کښېښوه، له آره نيت دا ؤ چې د ښې او منځپانگې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي ښې په شتو څو گڼو او همدارنگه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکي او مينه وال يې يم، خپله ارزونه کوم، خو له يوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځينۍ فزيکي مصروفيت د دې لامل شول چې له پورتنۍ درانه پېټې اوږه سپکه او په دې هيله چې د دعوت ۵۰۰۰ تيراژ درلودونکي چاپي خپرونې او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ ليدونکو دعوت وېبپاڼې څيرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړي وي، له دعوت سره د خپلې ملتيا او پر دعوت د روږدېدو کيسه تېره کړم.

پوره يووېشت کاله وړاندې کله چې شمالي تلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ايستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول. د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ مياشتې مو وې، زموږ د ټولگيوالو لخوا، د کابل طب انستيتوت او په تېره بيا د وروستي کال د محصلينو د زده کړو د بيا پيل کېدو هلو ځلو، له ((مشر-ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعه څه گټه نه درلوده او ځواب به بيا هم هماغه د راډيو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

يو عجيب و غريب ترينگلی او نا هيلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولگيوال مو کورونو ته ستانه شول. ښايي ډېرو به ځان ته بوختياوې پيدا کړې وې، يو له بله چندانې نه خبريدو، د اوس په څېر د اړيکو وسايل نه ول.

له خپل مسلک سره د بي کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکتر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينگار مي په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.

د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترگې پر دعوت خپروني ولگېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښ او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.

له دولس-ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملگرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بي خوندو، پيکه، بي مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر څانگو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بي پرو او کره چاپي او غريزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه-نيمه گڼه د ((شمشاد)) او بيا راوړوسته ((هيلې)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو. د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنگي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانگې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟

هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرگه کړه: ((ولي دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزگر نه پېژني؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه رالېږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورته راوړي وي))

څه موده وروسته چې د خپلي سپېڅلي رورډتيا او د ځيني کتابونو او ضروري موادو د پېرودنې لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو گرځېدم، نو د خيبر بازار په ((سعید بک ستور)) کې مې په دعوت خپرونه بيا سترگې روڼې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکه توره ږيره يې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دى هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ويل ولې، خير خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کوله چې څنگه کولای شم ويې وينم، صوفى صاحب چې زما په بې خطرۍ پوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزگر راوړي، که غواړې زه به يې د دفتر د تليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلي او ورسره ملاو به شي)). د تليفوني اړيکې په مټ مې د پېژندگلۍ تر څنگ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فريد بزگر څخه د دوى د کارځاى په ((آبدړه روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لومړي ليده کاته کې يې د مينې او زښتې مهربانۍ د څرگندولو تر څنگ د دعوت خپرونې په څو وروستيو گڼو او همدارنگه د ORA او KOR نادولتي موسسو د گڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره و قدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزگر د ORA له دفتر، د هېوادمېل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسيا سافت)) له دفترونو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوى له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مې هم له نېکه مرغه د دعوت خپرونې له پازوال، نوموتې ژورناليست او مهربان اجتماعي شخصيت ښاغلي محمد طارق بزگر سره تر دې دمه بې اړيکو پاتې شوى نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او مندوى يم. رب (ج) دې يې زموږ له پراخ

ملي رسالت / 82

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسې سپيڅلی، تاند او منلی
غواړم.

د دعوت ۲۹مه کليزې؛ د وياړني يوه پلمه

اجمل روحي

څه باندې دوه لسيزې وړاندې، کله چې زه هم د زيات شمېر نورو افغانانو په څېر جلا وطنۍ ته اړ شوم، د برخليک څپو زه د جرمني خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلۍ دوره په اروپا کې تيره شوې وه، خو داسې يو هېواد ته راتگ، چې ژبه دې نه وي زده او وگړي يې انگريزي ژبې ويلو ته هم لېوالتيا نلري، ځينې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تگ نه تر کاروموندنې پورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.

هغه مهال، چې د نن په پرتله ټکنالوجي دومره پرمختللې نه وه؛ د انټرنېټ او دېش اتاننونو نه شتون هم موږ له دې نه محروم کړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لويه خوشالي به دا وه، که کوم چا ته به زموږ ليک رسيدلی و او د هغوی لخوا به ځواب را ورسيد او يا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسيدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځينې ورځپاڼې يا بهتره ووايم جريدې تقريباً په منظمه توگه رارسيدلې او تر لوستلو وروسته به لاس په لاس کيدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلگې مې چې په يادې دي: «وفا» چې بنسټ گر يې ارواښاد پروفيسر- رسول امين او سرمحقق زلمي هېوادملي مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزگر په مدیریت، «آئينه افغانستان» د ښاغلي سيدخليل الله هاشميان په مشرۍ او «مجاهد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل په مدیریت. د دغو ورځپاڼو په لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېودانۍ مېنه خړوبيدله او هم به اپدېټ کيدلو.

څرنگه، چې سړ کال د «دعوت» ۲۹ کليزه ده، نو زه به هم د دغه رسنۍ (ورځپاڼې او ويبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کې پنځيدلی نظر وړاندې کړم.

زما په اند د هرې بريالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کيږي دا په حقيقت کې د هغه رسنۍ د مدير او کارډلې د برياليتوب په هکله خبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

که څه هم د ليکوال د شخصيت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځينې بيا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چي کيدی شي يو څوک ښه شخصيت ونلري، خو ښه آثار يې وړاندې کړي وي.

له نيکمرغه زه د «دعوت» بنسټگر او مسوول مدير ښاغلی طارق بزگر پېژنم، له نږدې مو بڼدپار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابيږي، چي هم دروند شخصيت لري او هم درنه او بريالی رښی چلوي.

يو څو ټکي د گران بزگر صيب په هکله:

ډير اجتماعي او د اړيکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلگه يې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورناليسټيک کار، له حسد او دښمنو نه ليرې او بس هسې خوږ انسان.

يو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هيڅکله يې ژېړ ژورناليزم ته مخه نکړه؛ د پيسو او نورو امتيازاتو لپاره يې څوک بې ځايه ټارگيټ او سپک نه کړل. تل يې ملي گټې په پام کې نيولي او په هېواد کې د خيانت، فساد او ملي خائنيو پر وړاندې يې د مبارزې بيرغ تل اوچت ساتلی.

گران بزگر صيب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کليزې او برياوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

دعوت د ملي گټو او بيان ازادۍ په تله کې! سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹ مې کليزې په وياړ!
تر نورو خبرو مخکې اړينه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کليزه او په راوړوسه کې د دعوت برېښناپانې ښېگڼيزه او بريالۍ چلونه قدروږ او منلي شخصيت محمد طارق بزگر، د هغه همکارانو، او بيا ليکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپرونې او برېښناپانې سره همکاري لري او اړيکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووايم.

له هېواده ليرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېريال او نېشت امکاناتو، د خپرونې د وسايلو او تخنيک د تيارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزگر صيب ۲۹ کلن قلمي او پوهنيز زيار چې مهالپير يې تر ننه پورې د يوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه يوازې د ستاينې او قدروږ دی بلکې د هېوادپالنې يوه داسې غوره بېلگه ده چې ځوان نسل يې بايد هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپرونې ټولو گټو ته لاسرسی نه درلود او يوازې ځينې مې لوستي او برېښناپانې سره له پيله اړيکه پالم، خو سپری ويلای شى دواړه، د دعوت خپرونه او هم برېښناپانه د هېوادپالنې په گاڼه سمبال او د ملي گټو په بيان، ملاتړ او ساتنه کې په ټول پوره دي.
د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او برېښناپانو پريماني او ارزاني ده، خو ملي گټو او د بيان ازادۍ سره د برېښناپانو او خپرونو چلند يو راز نه دی. يو شمېر يې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته گټه رسوي او که د ژورناليزم نور اړونه او ځانگړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانگړپوهې له انگړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پېچلې کوي.

ملي ارزښتونو او گټو ته ژمنتيا او د هغو ساتنه او همداراز د بيان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که يوه خپرونه يې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له يادو ښېگڼو څخه يوه يې پېکه او يا دواړه يې پېکه او يا يې هيڅ ونه لري، څوک يې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزوي. همدا لامل دی چې ځينې خپرونې ژر

مري او اوږد ژوند نه لري او ځينې نورې لکه دعوت بيا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوې نه کوم چې د دعوت خپروني به په يادو برخو کې کومه نيمگړتيا ونه لري، خو تر کومه چې زه يې ارزولای شم، په واپو ډگرونو کې په بريالو ځلي او د لا بشپړتيا او پرمختيا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او ليکوالو د ليکنو او لوستلو خونديځ دی. دعوت د کينلارو، ښيلارو، منځلارو او گنلارو ليکنې په پراخه تېنده خپروي او تر خپلې وسې پورې يې د بيان ازادي ژوندۍ ساتلې ده. تر اوسه زما هيڅ ليکنه چې ښای ځينو به يې د دعوت تگلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه ليکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسۍ په موخه نورو بريښناپانو ته هم ليرم، خو د ځينو نورو ترڅنگ دعوت په ډېر ورين تندي دا ليکنې خپروي چې ترې منندوی يم.

يو وخت ما بلې بريښناپانې ته ليکنه لېږلې وه. په ليکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه ليکلې وه، نوموړې بريښناپانې چې نوم اخيستل يې اړين نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنگليد په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص يې د ارواښاد تش يوه کلمه قدرې هم پيرزو نه ده!

په پای کې د ملي گټو او ارزښتونو خبره يو ځل بيا دلته رااځلم. زه خو وایم خپرونه دې د ملي هويت، خپل تاريخ او رواياتو په منځپانگه بډايه وي. که نور ورځپاڼي رنگارنگ مطالب خپريږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تگلار کې ملي گټو ته ژمنتيا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپروني سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مينه زياتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحیه روزل کيږي او په دې لامل د خپروني ځلا او ښکلا لا زياتوي. د دعوت خپروني چې په دې گانه تر ډېره سمبالې دي، دې ټکي ته يې نوره پاملرنه هم رااړوم! دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابرېاوې غواړم!

خجسته کتاب دعوت

دکتور سيد خليل الله هاشميان

جريده وزين دعوت اينك ۱۶ ساله می شود و در مسير اين مدت به مدیریت مسئول شخصيت مبارز، آقای محمد طارق بزرگر، موقف ملی و مبارزه ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جريده مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جريده مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشاندۀ نقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جريده دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شماره مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دوره «حاکمیت مترزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلأ ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکملاتی روس ها به جانب کابل تامین کند...» جريده دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقه وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

ملی رسالت / 88

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیسم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است. تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.

پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

د دعوت د کتاب په بڼه پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنی خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزگر په سروالی خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکي ښاغلی بزگر دی چې له کډوال کیدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند بڼه کولو د پاره به د خپل پروگرام له مخې له وطن نه وتلی وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواک کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلې. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پېښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه گډ مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

تاريخي ضايعه ده؛ ځكه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعگانو انعكاس كړی و. په هغو کې د افغان كارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليكلي كلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينگه كيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي كتابتونونه چور شول، او ډير كتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما كتابتون هم راځي چې له انگلستان او امريكې نه مې ډير كتابونه ورته راوړي او بيا د كابل د زاړه ښار د كتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او كتابگوټي راټول كړي وو. زما په كتابتون کې يو شمير اثارونه بېجوړې وو؛ لكه د برتانوي هند حكومت د استخباراتو د څانگې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هكله وه، او بيا ما د خپلې څيړنې درې كلنې مودې په بهير كې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات كړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو كې شنه پستي لرله او اضافي ليكنې يې په انگريزي كې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په كابل كې د طالبانو تر پريښولو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن كې د لوستونكو د پاره دي. په داسې حال كې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ كې د دوو لكو په شاوخوا كې افغانان اوسېږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن كې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندنيو هيوادونو كې خپرونې كيږي؛ لكه په امريكا كې "آئينه افغان" د ډاكټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په كاناډا كې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمني كې "گوربت" د ښاغلي محمد آصف په همت او "اسه مايي" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريكې كې "كيوان افغان" د ښاغلي رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې كې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزگر په سروالي، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر كولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

کیري او یا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې یوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کیري.

لکه چې پرمې مې وویل چې شپاړلس کاله کیري چې دغه خپرونه د ښاغلي بزگر په زیار راووځي په باندینو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ایستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ایستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې څیر شي لیکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زیار ایستلی وي. په دغه اړه ښاغلي بزگر یو مثال کیدلی شي. د دې د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش یوه برخه د دعوت په ویستلو باندې لگوي. له دینه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکي قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ایستل د پیسو د پاره نه وي او نه هم دا د پیسو گټلو لار ده، هغه هم په باندینو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگندیري.

دعوت د هیواد په دواړو رسمي ژبو خپریږي، خو د پښتو پله یې درنه او افاده یې هم معیاري ده. په هره گڼه کې یو یا ده لیکنې په انگریزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتیا د هغې د لیکنو څنگه والی دی. لیکنې یې نږدې ټولې د افغانستان د پښو په تېره د سیاسي پښو په اړه تحلیلې دي، مهمې نړیوالې جاري پېښې یې هم په مخونو کې راوځي. په لیکنو کې یې په موضوع گانو باندې بحث کیري نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کره وړه او نظرونه او سیاستونه به پکې ډانډس کیري او ټکول کیري، خو پخپله هغوی په سپکه نه یادیري. دعوت د مدني اصولونو مراعات په ټینګه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصولونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په لیکنو کې د فرد حیثیت هر څوک او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کره او فکرونه سپیڅلي نه کښل کیري، هغه سپرول کیري یا یې قدر کیري یا بېرحمه نیوکې او وارونه پرې باندې کیري. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئولیت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت لیکنې نه ننداره ییزي، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحلیلي لیکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډیر علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستیالان دي چې د وطن د پښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې لیکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوی په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زیات عمر کولو توان ورزیاتوي. نو دعوت د یوې ګډې موخې په لور په لویدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ یوه څرګنده، لوړه او ګټوره بیلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان لیکوالانو به یوه بل باندې پېژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کیږي چې حتی د دعوت لیوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړاندیز کړی چې د دعوت غوره لیکنې د کتاب یا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترینه ګټه واخلي. دا یو بل بڼه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره لیکنو ارزښت او پایښت نور هم یقیني او ګټورتوب به یې زیات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلي محمد طارق بزګر بری غواړم.

دعوت او محمد طارق بزرگر ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحيم

گرانه وروره بزرگ صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسې ته زړه له کومې تبریک وایم چې د دعوت درنده خپرونه د خپلو لیکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډک تاریخ او په ځانگړې توگه د تیرو دیرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هیواد او هیوادوالو د سیاسي او ټولنیز ژوندانه یوه ډیره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د یو شمیر هغه هیوادوالو چې د ډیرو ستونزو په گاللو سره، هیواد او هیوادوالو ته د خدمت او خیر په نیت د مطبوعاتو او تبلیغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاءالله به زموږ د تاریخ یوه مثبتې برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تیرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانیت باندې باور او ډیر صبر نه شي تر سره کیدای.

د تیرو دیرشو کلونو راپدېخوا زموږ هیواد د پردیو او د هغوی امریرو افغانانو د لوبو او تجربو میدان په توگه کارول شوی دی چې افغان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډیرو قربانیو او مصیبتونو د گاللو سره سگره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصیبت لاس په گریوان دي. که څه هم د نیکه مرغه په هیواد کې دننه تر یو حده دا زمینه مساعدې شوې ده چې یو شمیر ازاد نشرات رامنځ ته شي خو د هیواد نه بهر میشته افغاني موقوتې خپرونې او الکترونیکې وسایل د خپرونې لا اوس هم خپله ځانگړې وظیفه لري او صبا به یې هم ولري.

د افغان ولس اکثریت او موثرې طبقې ښايي چې د خپل موجود لوی مصیبت د جریان نه د واقعیت درک کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حیث نه یوازې د نورو ولسونو او هیوادونو څخه په تجرید کې ژوند نه شي کولای، بلکې دا وظیفه یې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهذیبی هویت څخه د دفاع تر څنگ د بشري ټولنې سره د سوله ییزو او د هغوی مشروع حقوقو او هویت ته د احترام په واسطه حتی المقدور نژدې

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپرونې اصلی نقش په دې اړوند به ځانگړی اهميت ولري. دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.

کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.

په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرگون د خپرونې نقش تر څنگ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينگولو او پراختيا عامل به وگرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.

د دې کبله ښايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبریک وایم او درته اجر، ډیر صبر او توفیق غواړم.

د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره زما اړيکه هلمند پردیس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره په خپلو اړيکو وغږېږم، غواړم د دغه رسنيز مرکز په ځينو ارزښتونو او خدمتونو يو څه ووايم. دعوت خپلواک رسنيز مرکز په حقيقت کې يو خپلواک او د رسنيو په ډگر کې يو بې پرې او ازاد رسنيز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختگونه ټول د افغانستان او افغان درديدلي ولس سره تړلي او د دوی آواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزگر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه دروند بار ته دا نهه ویشته کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنيز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنگه دغه رسنيز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کاميابي راز يې په خپله د دغه رسنيز مرکز مشر محمد طارق بزگر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زيار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مينه دا هغه څه وو، چې محترم بزگر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنيز بهير يې تر هدف رسيدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن يې موږ تاسې نهه ویشتمه کليزه لمانځو.

محترم مشر بزگر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصيتونو لرلو تر څنگ يو بل ارزښتمن خاصيت دا دی، چې هغه ريښتوني وطندوسته شخصيت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر گامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبيلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنيز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم وروڼه ملگري او همکاري کوي، او بزگر صاحب دا خبره په حقيقت کې په اثبات رسولي ده، چې يو شاعر يې په خپل شعر کې وايي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته يو دی که مغل دی که افغان

پوره يوه لسيزه مخکې چې کله ما د مسافری په درشل قدم کښود د وطن پلټون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مينې داسې اورونه بل کړل، چې زه يې ليکلو ته اړ ایستم. ليکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلی مين وم، حتا له کلی بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنگيده، خو

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستي احساس او مینه وه، چې ما به د انترنیت له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میدیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمگړې لیکنې ورلیرلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزگر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په ټول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزگر صاحب زړه ماتې نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستي، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولې وای، ځکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوگه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزگر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستي او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشت کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشر-بزگر صاحب ته دوعاگانې کوم، چې ستر رب العزت یې عمر ډېر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهیر کې ورسره ریښتوني ملگري پاتې شو.

بيست و سومين سال نشرات جهاني کمپلکس دعوت تبریک و تهنيت باد استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است. دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد و شخصیت برانزده بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ - ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزو دارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشه خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود. اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خود کامه گی نوع توتالتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمر در اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزه صادقانه و بی الایشانه نموده و

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیروهای دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیده ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطه شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعه دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشندگان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیده من، نویسندگان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

بیشتر نمایند تا بار دیگر به پیشرفت هایی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آینده کشور امید داشته باشند. همه ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تا بر نیروهای سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشور به سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسیله ما در زمینه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیک است و تغییر اجتناب ناپذیر است.

دعوت با پیروی از اصول آزادی و حقوق بشر و دموکراسی و مردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهانی بیشتر از گذشته مبدل شود. زمانی قدرت های بزرگ با ورود مستقیم به کشورها، جهان سوم را غارت می کردند، ولی حالا در هزارهء سوم در ظاهر به نام آزادی و دموکراسی می خواهند ملت ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگک سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیدهء پوچ و بی معنی منطقه پرستی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغان و افغانستانی، شمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چون ویرس مهلک و کشنده بر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگر شاهد بدبختی، فلاکت و سیه روزی وطن و مردم ستم دیده آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما در کشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد که بدانند و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حق ندارد که آنان را از چنین حقوقی محروم کند.

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقه اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیده بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدید آورنده آن هاست، دارد.

در دوره مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هر کس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

ملی رسالت / 101

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیه انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صبحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی
استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

د دعوت پانې د درويشتمې کليزې په وياړ استاد ابوبکر ساپي

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
خوک صفت د خپلې پانې خوک د ځان کړي
د دعوت د پانې بې سارۍ شهرت دئ
خوک يې ستايي په شعرونو او نغمو کښي
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښي، همدا بې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندي يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا بې ستر خیانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يې شیطانت او ضلالت دئ
د دعوت پانې درنو لوستونکو واوړی
يې قلم په لاس هم ډیر مو مسوولیت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه يو وصیت دی

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک! محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او منلي هڅاند افغان په لاس اېښودل شوی نیالګی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیالګی د هجرت، غربت او لاس تنګي په داسې بدو حالاتو کې کښېښود شو، چې د راتوکېدو، زرغونېدو، لویېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هېلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنگین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویش کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کيږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترګو کې خوږ لګي، بلکې کلیوال او سېمه وال هم سترګې پسې اړوي (له نظره مه شې ګرانه دعوت ته).

احساس مې په غربت کې اوبښکې تویه کړي له سترګو

چې لولمه لیکنې د پتمنو په دعوت کې

د هیلو مات وزرې مرغی بیا په الوت راشي

امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزرې مرغی به څه وخت سرمنزل ته په الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راځرځم د دعوت میوه لرونکي نیالګي ته، چې اېښودونکي یې یو داسې پتمن افغان دی، چې د توصیف لپاره یې د پوره الفاظو په راټولولو کې ځان عاجز ګڼم. زموږ دا ګران افغان محمد طارق بزګر نومېږي.

د ښاغلي بزګر صاحب د همت، هېوادپالنې او متانت په اړوند زموږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کړي، خو کوم څه، چې ما د بزګر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

– د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.

– د پراخې سینې (حوصلې) څښتن

– ماهر او هېوادپال ژورنالست

– جذاب، حلیم او صابر انسان

– پالونکي، مرستندوی او حقین

ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزگر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزگر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخیزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.

که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزگر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزگر صاحب خپل تگ لوری سم ټاکلی و.

د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وپیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې ویي کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنگینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.

د یادولو ده، چې موږ غم لري افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغی او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.

زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بريالي وي.

د خپلې لیکنې په وروستی برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېري، دا

ملي رسالت / 105

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو وييپانو او ملت سره دغداري نېت لري. زما د وړاندیز د نه منلو په صورت کې دې بزگر صاحب او دا نور درانه افغان وييپانې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانگړې کتگوري کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لگي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزگر ته د زړه په مينه د دعوت د پاڅه زلميتوب مباره کي وایم.

محمد امين بسمل
د جرمني له بايرن ايالت څخه

دریم خبرکی:

پیغامونه

د منزل په لور د دعوت دیرش کلن منزل

ولي الله ملکزی

که د نړیوال ستيج په پاسني لوژ کې، د نامي امپراطوريو او تهذيونو د عروج او زوال تابلو ته څیر شو، نو هرو مرو به مو يقين راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسيدلو لپاره په پيړيو پيړيو مزلونه شوي ترڅو د دوی د ځواک خولۍ ډکه، ارته او وغوړيږي.

د رسنيو دنيا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو يو ستومانه او ديتنه ورته تاريخ لري. د لرغوني چين دنگ ديوالونه، د بغداد منارې، د بيروت کوڅې، د اروپا ښيرازه ورشوگاني او د امريکا سيلکن ويلې، ټول د دی شاهدان دي چې د نړيوال کلي جوړول او يوه څنډه له بلې سره نښلول څومره گران، څومره هڅو او څومره شوگيرونو ته اړتيا لري؟

له نن دیرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم يوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره يوځای شوه او پدی زيره او شگلنه لاره يی قدم وهل پيل کړل. لا د څارپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کې لمړنۍ شماره چاپ او ځما د گوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پيسې نه وې او کله به د متوازنو او غوښنو ليکنو او مقالو کمی وو، خو ټينگ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنگونو وه. دعوت کومه اسماني صحيفه نده چې غلطې او اشتباهه نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننگه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننگوي چې د جگړې سپرغيو ته ببوزی وي. دعوت د دريو لسيزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاپړه کړې او نه يی د څه واخله او څه راکړه سودا کړې ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه بريالۍ گڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د مينې ساندې زمزمه کوي او د پخلاينې له شعار سره ستونې نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ويبپاڼې بڼه غوره او د انټرنېټ په نيلۍ سپړه شوه، نو غږ يی د نړۍ په ډيرو

ملي رسالت / 107

برخو کې غوړونه پیدا کړل. دا اوسنی کلیشه یی د یوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماینده گي کوي او ښایسته ډیر څه پکې سترگو، سترگو ته کيږي.

ځما کشر ورور او د یو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزگر د ښې حوصلې او څرگند لرلید خاوند دی. د مالي او تخنیکي ستونزو سره سره یی و کولای شول تک تنها دومره غټ او دروند پيټي ته اوږه ښکته کړي او دی ځایگي ته یی را ورسوي.

موږ ولیدل چې د روسي ښکیلاک په مهال او بیا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپانې، مجلې او رقم رقم خپروني را میدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلې وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو گواښونو وارخطا نکړ، میدان یی پری نښود او د منزل په لور خپل مزل یی همداسی جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنیو په کتار کې خپل پرستیژ لري او د خبر او څیړنو د یوې سرچینې په توگه ور باندی حساب کيږي.

هیله مند یم چې دعوت به د تیر په څیر، په راتلونکې کې هم د خپل دین، ولس او ارزښتونو په څنگ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړيږي، لا به وځليږي او لا به گړندی او میړنی شي.

سکرمنتو، کلیفورنیا- امریکا

دعوت سره زما ملگرتيا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملگرتيا ډيره پخوانۍ ده چې لسگونو کلونو ته رسيږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محدودو مخونو کې په لاس ليکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپيوټر او د انټرنټ نړي کې لوی او بيل ځای لري. دعوت يواځې يوه چاپي جريده نه ده د دې په څنگ کې څلور جلا ويبپاڼې، دوه پښتو او دري: www.afghansabawoon.com، www.dawatmedia24.com،

يوه انگليسي www.dawatmedia.com او يو پښتو ټلويزیوني چینل www.astv24.com چې لا هم د کار لاندې دی، چې په دې سره دعوت يو رسنيز مرکز دی، يو ځواک دی، يو قوت دی.

زه بوډا شوم خو خوشاله یم چې دعوت خپله دیرشمه (۳۰) کلنيزه لمانځي. اوس نو يو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخه بهر د افغانانو په ځانگړي ډول د پښتنو يوه نړيوال رسنيز مرکز (دعوت ميډيا) شته. دا ټول د محمد طارق بزگر نه سترېکيدونکي هلې ځلې دي چې په يواځې سر د دعوت جريده په ښکلی ډول چاپ او د نړۍ نږدې ۵۶ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غير افغانانو ته رسيږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصي لگښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسې ډول چاپ، خپرول او تر مينه والو رسول څه اسان او د هر چا د وس کار نه دی چې دا ټول محمد طارق بزگر صاحب په يواځې سر پرمخ بيايي. نو د لوی خدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم يې تاند غواړم.

د دعوت درنو قلمي همکارانو، لوستونکو، مينه والو او په سر کې فرهنگيانو او فرهنگپالو څخه هيله لرم چې دعوت درنې ميډيا او په سر کې د دعوت دروند مشر محمد طارق بزگر صاحب يوازې پری نږدې لکه چې تر اوسه يې يواځې پريښی نه دی. په راتلونکې کې همدا سې خپلې ټولې مادې، معنوي او فرهنگي مرستې روانې وساتي، تر څو په بهر کې زموږ دا فرهنگي / کلتوري شمع تل روښانه وي.

شتو تگارت - جرمني

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د ميډيا د کورنۍ يوه بامسؤوليته برخه ده ډاکټر صلاح الدين سعیدی

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د ميډيا د کورنۍ يوه بامسؤوليته برخه ده او د لمر حيثيت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنگه او يا ډېر ضعيفوي.

زه د دعوت د ويېپانې سره له يوې لسيزې زيات ډېر کلک روابط او علايق لرم او د دې پانې او نشراتو نه مو پوره پوره گټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.

الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظيمونکو ته او په ځانگړي توگه جناب محمد طارق بزگر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې برياوې په برخه کړه. ستاسې بامسؤوليته او ستر تنويري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانيت په گټه، سولې او ښه تفاهم په گټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتيژيک مرکز د علمي شورا په نمايندگۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم. الله (ج) مو نور هم کامياب او بريالي لره. ومن الله التوفيق

ډير څه مي له دعوت زده کړه،
او ډير څه نه پکې خبر شوم
نجم شينواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کلنيزې په وياړ!
بزگر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر ته د تحصيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده وروسته چې مصر کي د پخوانيو افغان محصيلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تگ راتگ پيل شو، يوه ورځ مي د يو افغان محصل گلاب سيد په کوټه کي د دعوت خپرونه وليده، ښه په غور غور مې ولوستله، ډير مطالب پکې وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملگري چې نوي راغلي هغو ځان سره د پېښور نه يا افغانستان نه راوړي ده، ملگري نه مې وپوښتل دا مو پاکستان نه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنگه راځي؟ وايي دا په اروپا کي ځيني افغانان چاپوي، او بيا يي پر افغانانو مفت وېشي، وايي تر ما د مخه دا په بنډلونو راتلله، چې چاته راتله هغه محصيلين تللي، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بيا به نوزه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسته به زما وار وو.. ډير څه مي پکې زده کړه، او ډير څه نه پکې خبر شوم، او ډيرې دعاگانې مو درته هلته کولې.. ولو چې ما تاسي نه پېژندلې... خو قسمت مو وو... او د پېژندگلوی هم يو جالبه کيسه ده... که تاسي ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خدمت ته تل تاند اوسي.

دعوت رسنی، نهه ویشټ کلنه شوه عظیم الدین علیمی

دعوت رسنی نهه ویشټ کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنی خپروني د لوستنې ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشریاتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته وراړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلي او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوی سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه خپرلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنی خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنی د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي. د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لایزاتي بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میلېیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

ملي رسالت / 112

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزرگ»، دست اندر کاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانه هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې خپل روښانه افغاني دریځ درلود ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پانه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروي په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیست او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزگر صیب په مشرۍ خپرېږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلېږي.

دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دیني، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کيږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.

د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپرونې کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړ بولم.

زه د دعوت د ویارلې پانې د نهه ویشتمې کالیزې په ویار ښاغلی بزګر صیب ته مبارکۍ وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزگر عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزگر د اوسنی نړیوال سیاسي-کلتوري تاریخ زرینی پانی دی. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشري افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزگر، دعوت او دعوت میدیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقي زیری دی. بزگر، دعوت او دعوت میدیا هغه انساني روښانه څراغونه دی چی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختګ، آزادی او خپلواکۍ رڼا خوروي. د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت ته مبارک شي!

عاشق لونګین فنا
مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

بيست و نه ساله گي رسانه دعوت ميديا پُر ميمنت

ف. هيرمند

مدت زيادي نمي شود که نوشته هاي ناچيزم را به وبسایت «دعوت ميديا» مي فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبري آن را عهد دار مي باشد. اين رسانه به دليل نشرات ملي گرايانه اش، خواننده گان بي حساب دارد و با انتشار مسايل و مطالب روشنگرانه و وطني و ملي خود عطش خواننده گان بي حساب هموطن خود را فرو مي نشاند.

رسانه اي که مقتضيات زمان را بداند و به اين درک اش مطمئن باشد که سرزميني که براي خاک و مردمش نشرات دارد، نيازمند دريافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص مي باشد.

اين کشور در وضعيت وخيمي به سر مي برد و نياز اساسي دارد که در تحکيم و صيانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانه نشراتي به عمل آيد و با اين انتشارات، وحدت آنان هرچه بيشتر استحکام يابد و از ارزش هاي سرزمين يک پارچه و واحد کشور در هر گام تبليغاتي، نگهباني شده و در همين روند از دارايي هاي مادي و معنوي و هر داشته افغانستان حراست به عمل آيد.

وبسایت «دعوت ميديا» در اين عرصه ها با مسؤليت و حساسيت قابل توجه کار و نشرات مي نمايد و مساعي به خرج مي دهد تا اين آرمان ها با دقت و مؤثريت مطلوب تحقق يابند.

براي جناب طارق بزگر و ساير گرداننده گان نجيب اين رسانه دعا و تمنای پيشرفت هاي بيشتر و بيشتر را دارم. افتخار ماحصل فعاليت رسانه دعوت ميديا به همه شما مبارک!

د دعوت درويشتمه کليزه دې مبارکه وې انجنير فضل احمد افغان

زما گران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزرگ صاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نيکې هيلی تقديمه وم. زه ډير خوشحاله يم چه د دري کالو را په ديخواه ستاسی د ډير دروند علمي، دينی، سياسي او اجتماعي ويبپاڼې نه استفاده او ډيري ارزښمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ويلای شم هغو وطنوالو چه په تيرو درويشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نه گټې پورته کړی وي بايد اوس په دينی، سياسي او اجتماعي علومو کی لکه يو اکاديمسين په خير د ملي او بين المللی چارو باندې هر اړخيز بحث او ليکنی وکړی.

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی گران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د گرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسی د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم او د دعوت درويشتمه کليزه د زړه له کومي تاسی او ټولو گرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

بيست و سومين سال پُر فيض دعوت مبارک باد!

انجنير فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهايت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخير با داشتن افتخار استفاده از وييسايت وزين دعوت، توفيق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاريخک، بی علمی خود را با مسائل سياسی، اجتماعی و علوم دينی منتشره و وييسايت وزين دعوت تنوير کنم. به يقين آن خواهران و برادران هموطنم که در بيست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزيز ما در دعوت مستفيد شده اند، امروز به حيث شخصيت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظيفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پيشبرد وظيفهء مقدس ملی که عبارت از تنوير و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصيت های ملی هموطن ما، خاصتاً در اين مقطع زمانی که مادروطن عزيز در آتش جنايتکاران داخلی و خارجی می سوزد، می باشد. اين مؤفقيت بزرگ را به شما برادر عزيز و هموطنان ميهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنوير می کنند، از صميم قلب تبريک عرض و از بارگاه خداوند متعال، آرزوی مؤفقيت های مزيد شما را می کنم.

د ادیسی ادبی ټولنی پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنگ په دوستور ویارپلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاریخ پانی یی هم په د دوستور رنگینی کړی دی، نو ځکه د پښتانه په کور کی د جنگ او د دغه ویارپلی تاریخ دغه بدرنگ دوستور لا تر اوسه هم لمانځلی کیږی؛ خو بل طرف پوهه او قلم دی چی ننۍ پرمختللی جهان تری برخمن دی او راتلونکی یی هم روښانه ښکاری، مگر پښتنو پدی برخه کی ډیر کم فکر کړی دی چی د پوهی او قلم سړی د سر سړی بلل کیږی، خو دا بیا زموږ گاونډیو هیوادونو درک کړی ده چی زموږ د پوهی او د قلم سړی یا د مرگ کندی ته ورغورځوی، یا دوی باید د غربت شپې د بل په دیار کی صبا کړی او موږ لا تر اوسه پدی فکر کی نه شوو چی د پوهی او د قلم خاوندان باید ولمانځل شی، ونازول شی، تر څو پدی لار کی نور خواری هم وکړی.

جنگ په هر رنگه حالاتو کی پښتون گټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلری. علت یی دا دی چی پښتون جنگ گټلی دی، خو قلم یی بایللی دی.

د افغانستان په ټولنه کی عموماً ډیرو کمو خلکو دپته پام شوی دی چی علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکی مسیر ټاکی. هغه چا چی د علم او پوهی څخه گټه لیدلی او تری خوشاله دی، ځکه چی ده په دغه لاره کی ډیر زیار او زحمت ایستلی دی چی نورو ته یی هم گټه ورسیری، ژورنالېست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزگر صیب یادوم.

ښاغلی بزگر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چی علم او پوهه د انسان راتلونکی تقدیر او تدبیر کی جوړونکی رول لری، او همدغه علمی پوهه ده چی نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزگر صیب د پښتنو او پښتو ژبی له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړی ده چی هر انسان باندی خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لری چی ورته خدمت وکړی، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړی او عملی کار وکړی.

ښاغلی بزگر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم گړی د دعوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسوول دی ، او همدارنگه په علمی سیمنارونو کی برخه اخستل ، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلگه ده .

ښاغلی بزگر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی ، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحد رسولي چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو .

د ښاغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی ، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس .

ښاغلی بزگر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو ، په علم ، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویلېن په هیواد کی زموږ مسافر میشتی وروڼه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو ، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین . ستاسو د لا نورو بریاو په هیله .

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

دعوت د هر چا نظر او هیلې خپرې کړی دی نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلې او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنگه دعوت وېبپاڼې او د پښتو لمرني انټرنېټي ټلويزيون په اړوند کوم چه په ډيرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هيواد تکړه او پر افغانستان مين خبريال او ليکوال قدرمن محمد طارق بزگر تر مدیریت او مسئولیت لاندې په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغيزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چې د هر چا نظر، هیلې يې په دعوت کي خپرې کړې دي؛ پوره بې طرفي، استقلاليت، رښتينولي او د هيواد د وولسونو، قومونو، ليکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه يې کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کليزه د دعوت رهبرۍ هيئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لادیرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چې افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼی او د لمرني پښتو ټلويزيون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلويزيون لاغني شي. ستاسو لارياوي زما هیله او ارزو ده.

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم محمد ایاز نوری

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملي شخصیت محمد طارق بزگر او ملگرو ته! سلامونه او شي هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلزې د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زموږ د افغاني ټولنې د اکثر و په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زموږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوی او دا کرغېړنه لږی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانگړي توگه د خپل ورور د افغان ملت خدمتگار محمد طارق بزگر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزگر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنۍ د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشی ورټکولای. د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختگ کړی او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه گوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دی، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

ملي رسالت / 122

زه د يوه افغان په حيث، چې هيواد او ملت مې ډېر راته گران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادۍ پال وطنوال ته ورمبارکوم. عاليقدر محمد طارق بزگر صاحب ته شه روغتيايي حالت نوي او نوي برياليتوبونه په شخصي او ملي ژوند کې د لوی الله څخه غواړم. بزگر صاحب! يوازې نه يې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان يو خدمتگار
محمد اياز نوری

مننه، ستاينه او خواله استاد محمد اسمعيل يون

ښاغلی فرهنگپال او فرهنگپال محمد طارق بزگر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هيله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې
بريمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه <
رښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې
کیناسته. ډیره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې
زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډیرو خپرونو کتنه
او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلې
((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو
په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د
خپرو له ښکارندویۍ څخه اوږې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو
له خوا ځینې وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډیرو
دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده
توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو
کې یې بیلګې ډیرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت
چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا
مومي.

آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کيږي زموږ د ژبې، فرهنگ او ملي
هویت پڼګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا
ښکاره او پټې هڅې روانې دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول
څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان
وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې
وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنگینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد
واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړې وای نو هغه
خو د ((فاشست)) په نوم یوې ګندې ته غورځول کېده، خو د نورو
قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه.
کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه
(انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولې او ويي ويل پښتو او پښتونولۍ خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخواني ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شميره وړانيو تر څنگ يې د افغاني - پښتنې ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ډنگونې او لوتونې پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمې ځينې هېوادونو د افغانستان او په ځانگړي ډول د پښتنو لرې او نژدې، نوو او زړو دښمنانو هم گډهون درلود او لري يې.

لکه څنگه چې څرگنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکي رول درلود، خو بيا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم يو پښتنی ضد ناندريزه اداره جوړه شوه د ((شني ليکي)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه يې د ((پان اسلامستان)) گڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب يې هغه د چا خبره غور هم نه گراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توگه په څو ډلو ووېشل شول: [۱] انترناسيوناالستان (د سرې ليکي پلويان)، [۲] پان اسلامستان (د شني ليکي پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودريږي)، [۵] روڼ اندي (رونفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره يې مقابله کې ولگوي. د انترناسيوناالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پرېږده چې وخت په وخت يې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زيانونه اړولي دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتيرې. موږ خو اوس لاس تړلی، او فکر تړلی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.

تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړونديري، پښتو پالنه او يا پښتونولي د چا له ژبې سره د کينې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

ملي رسالت / 125

حاصل کړی او ساتلي، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او گډېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وگڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزگر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړې ستونزې سره مخ یو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم خپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکنې درولېږو، خو مونږ او ستاسو ترمنځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکنې مو ناوخته دررسیدلې، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنې او انساني لارې یو بل یون
مارچ ۱۹۹۶/۴ - پېښور

په ستوکېهولم کې ښاغلی محمد طارق بزگر وويارېشو د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوبت، د ژمنې سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډېسمبر په لسمه په ستوکېهولم کې د گران هيواد افغانستان د وياړمن فرهنگي شخصيت او نوميالي ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزگر په درناوې، ستاينغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سويډن د مالمو ښار او د ستوکېهولم له بېلابېلو کميونونو څخه افغانانو گډون کړی وو. ډيری گډونوال د هيواد ځوان پښت وو. يو شمير يې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هيواد راتلونکي علمي او فرهنگي شتمني ده چې پخپل گډون سره يې غونډه لا پرمختنه کړې وه. د راغلو ميلمنو په منځ کې ښاغلی حبيب الله غمخور له مالمو ښار څخه دې غونډې سره د مالمو ميشتو افغانانو د يووالي او پيوستون بېلگه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکي کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تياری نيول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتيب سره مخې ته بيول کېده.

غونډه په يوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ايتونو په تلاوت پيل شوه، ورپسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې يې پر مخ بيولې، ښاغلي محمد طارق بزگر، ښاغلي حبيب الله غمخور او ښاغلي سرلوخ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دريځ (لوژ) کې خپلو ځايونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې يو مشر غړي نصرت الله ننگرھاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازيتوب ميلمنو ته ښه راغلاست ووايي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننگرھاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قريب الرحمن سعيد پيغام ولوستل شو.

د غونډې وياند ښاغلی سرلوخ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مايک ته راشي، چې ښاغلی مرادزي د ستوکېهولم د استوگنو په استازيتوب يې ښاغلي بزگر او د غونډې نور گډونوالو ته هرکلی او ښه راغلاست ووايه.

نوموړي د بزگر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنگي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزگر د هيواد ملي گټو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزگر په نوښت او ميرانه د د عوت د جريدې او په را روسته کې ورسره د برېښپاڼې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وگڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزگر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلويزيون فعال کړي او په دې لار کې نه سترې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوخ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د دروند استاد روستار تره کي پيغام د غونډې گډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنگي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزگر په وياړ او درناوۍ رالېږلي وو او په هغو کې د بزگر صاحب ۲۳ کلن فرهنگي هڅې او د ژورناليزم په ډگر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرگه کيدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (گلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همایون ننگرهارې د نیک هدايت ځاڅي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاڅون پيغام له جرمني څخه، د مالو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزگر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولنې پيغام. له دې سربېره د وخت د کمېټت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې گډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرگه کړي.

د غونډې ورپسې ويناوال له مالموښار څخه راغلی دروند ميلمه ښاغلی حبيب الله غمخور و چې په زړه پورې وينا سره يې د غونډې گډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وينا په يوه برخه کې وويل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزگر نه يوازې فرهنگي شخصيت دی بلکې يوکارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزگر صاحب په قلم ليکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکاره بېلگه يې گڼلای سو.

ښاغلی محمد طارق بزگر نه يوازې د بيلوبيلو مقالو په ليکلو سره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توگه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په اسمان کېښي د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې يې نه يوازې دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېرونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس يې د ۱۹۹۷ کال راپه ديخوا د دعوت جريدې د خپرېدو تر څنگ دعوت ويب پاڼه پرانيستي او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په گوټ گوټ کېښي افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.

ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وويل چې بزگر د نړيوالو ليکوالو او ژورنالستانو له خوا ياد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره يې د امريکايي ليکوال ښاغلی بروس ريچارلسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه يې ((افغانستان: رښتيا پلټنه)) نومېږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د وياړ ځای دی او د دغه کتاب ليکوال د ښاغلي بزگر څخه په دغه کتاب کې مننه او يادونه کړې ده. ښاغلي غمخور، بزگر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزگر په ډېرې مننې سره واخيسته.

بل ويناوال ښاغلی حفيظ الدين پيرزاده و چې د بزگر صاحب د فرهنگي او ژورناليستي گټورو خدمتونو ستاينه يې وکړه او د ستر ليکوال او شاعر گل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره يې غونډه توده کړه. همداراز ښاغلي ډگروال حليمي صاحب هم پخپل وار سره د بزگر

صاحب د فرهنگي هڅو په وياړ خپلې څرگندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزگر د تېز او غوڅنده قلم ستاينه يې وکړه.

د غونډې د چارو کوربه د چای او دمي لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزگر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.

د غونډې په روستۍ برخه کې بزگر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د گډونوالو د پوره پاملرنې وړ وگرځېده.

بزگر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنگه ښاغلي بزگر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنگي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوی ته کوروداني ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرگنده کړه.

ښاغلی بزگر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه گڼم! څه چې ما کړی يوازې د يو افغان او پښتون په توگه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تېرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړي دي.

بل خوا بزگر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کولیکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توگه يې يو کولیکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.

په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلي بزگر صاحب ته د ښاغلي ډاکټر سرلوخ مرادزی او د ښاغلي حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پایته ورسېده. د غونډې ویديويی فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

گران محمد طارق بزگر

محمد يوسف هيواد دوست

يادونه:

د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه گران محمد طارق بزگر، شتون په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد گل خان مومند:

پښتو د بڼې چوڼۍ يم شور به کړمه پښتنو ته

تل دوي ته په وينا يم که وم که نه وم نه يم

زما خبرې تل سپينې دي او له همدې امله هيڅ مجبور نه يم يا د چا بې ځايه توصيف او تعريف وکړم او يا يې بې ځايه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزگر صيب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هيواد د ژورناليزم او په تېره بيا له هيواد څخه د باندې د افغاني ژورناليزم تاريخ به د هغوی نوم هم په زرينو کرښو وليکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کيږي چې د گران افغانستان د ژورناليزم او ادب د گلالي بڼې دغه عندليب او د دغه په زړه پورې بڼې دغه ماليار سره له دې چې له هيواده د باندې په ناروې کې د مجبوريې او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هيواد د تاريخ او زموږ د فرهنگپاله ولس د پايښت او بنياست ترانې غږولي، په لکونو مخه پاني يې تورې کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډيزاين، څرنگوالي او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت يې پر ځان تېر کړی. په لکونو واړه يې تا او ما ته ټيليفونونه کړي، فاکس او تيلگرام ته ناست و او له هر چا يې د اخبار لپاره د مطالبو د ليکلو هيله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سيمو کې د مظلوم غېر تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم يې افشا کړی، د افغانستان او له هيواد نه بهر د لسگونو مطبوعو دروازې يې ټکولي، او په زرگونو خپرونې يې تر ما او تا رارسولي.

گران او نه سترې کېدونکي ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزگر يادوم! همدغه د يوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغان دوسته فرهنگيال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې يوه شېبه هم د

((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، میراني، پاڅونونو، سرلوړيو، بناديو او رازونو سره ملگری پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شین)) بنامار، بدمرغه مخ او ناوړه نیتونه یې ولس او نړېوالو ته برېښه کړل. ((دعوت)) و چې په سیمه کې یې د ښکېلاک او زېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تیاره)) گوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو یې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راوړسول.

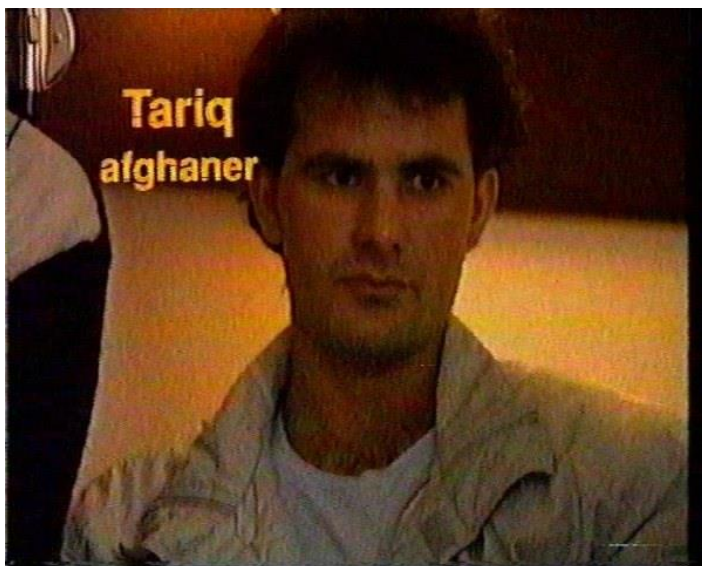
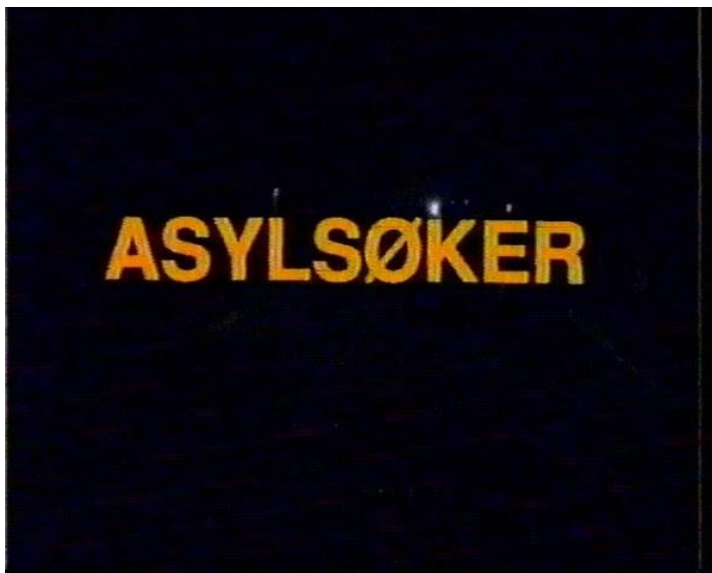
((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړېوالو لیکوالو او غوره خپرونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحلیلونو ښکېلاک کړل. د ژورنالیزم ټول بنسټونه او اصول یې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معیاري ده، په تېره بیا تل یې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

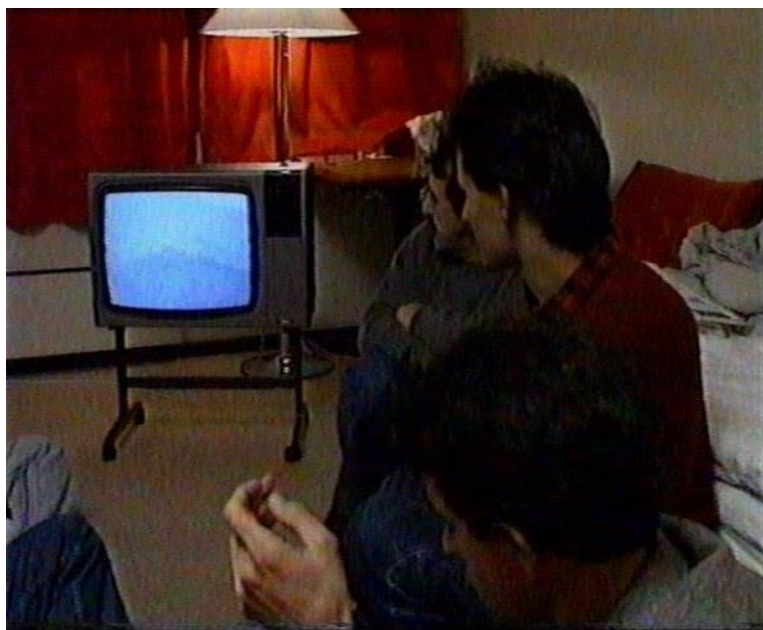
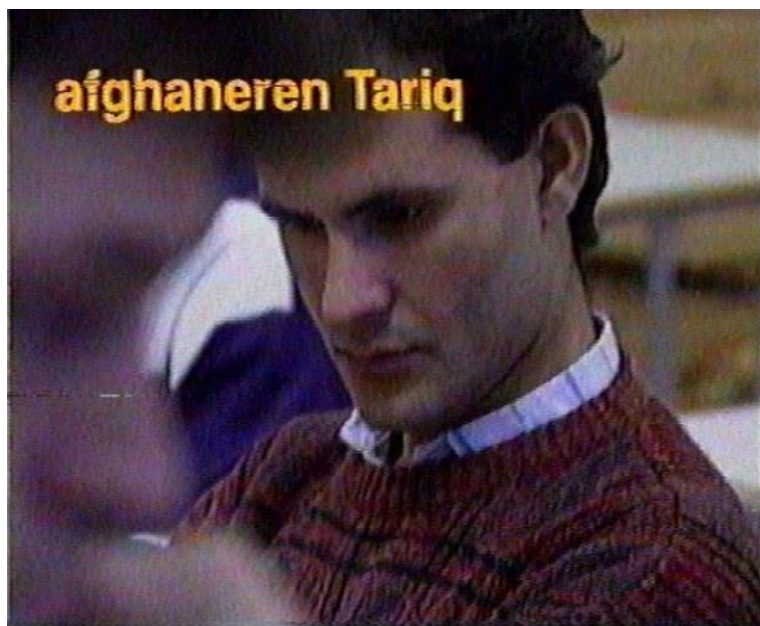
لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت یوه اړتیا ده. د دغه شان یو مدیر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی.

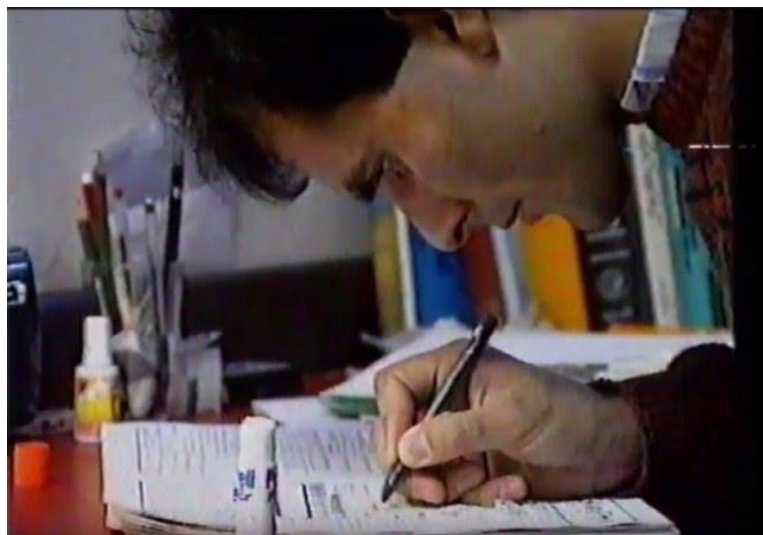
زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وایم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شریک بولو. بزګر صیب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

څلورم څپرکی:
د بزگر څیره

در مستند نارویژی «پناهنده»





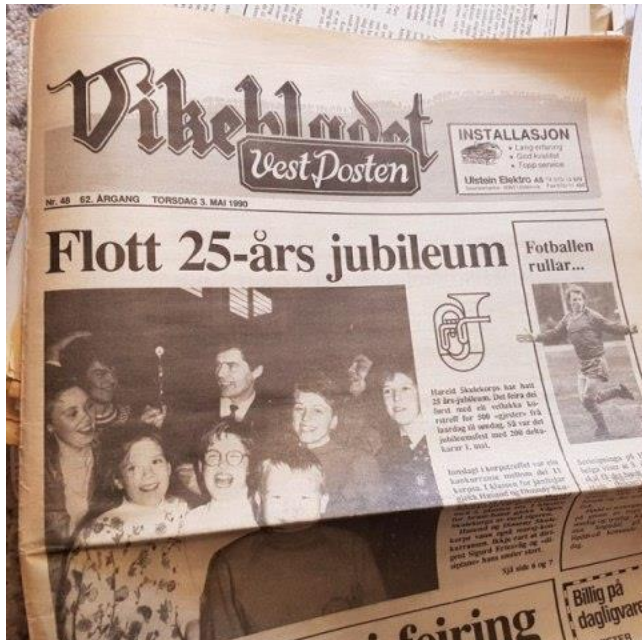




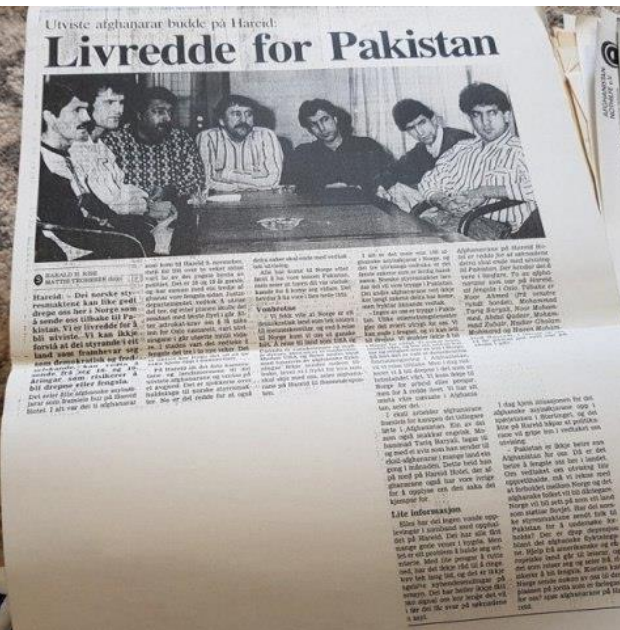












Vest-Posten

NR. 25 - ONSDAG 3. APRIL 1989
20. ÅRGANG KR. 4.-

Godt utvalg
i
golvbelegg
Hareid Rør as.
8000 SANDNES, Tlf. 37 07 00



Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -



TOK BERGEN MED STORM.

Kamaja Tostet, tidl. Hareid Mol representant ved i Gløde. Reportasje s. 5.

rungevåg-slaget ørundfjorden!

Anders Hustadnes
ndfjord-brosjyre

skens held fram sin
lump for å få lag
sværgeord til Hå-
våg, først ber-
en av landbruks-
Hustadnes sjøl og
representant Hå-
våg SAGA FJORD
en. TILNEMNING

Eding Lunde. Den franske
føreren til båten last var senad
Ørundfjord på Stord. Han
før i Håvågsværge-laget, og
samen time, for til Årungen.
Førte til Gløde etter slaget.
Der er gjort rike funn på Stør-
Stord, mellom andre armering i
sels, vevet og gullslaget perle i
sels. Håvåg på Kvistad frå år 900
en. TILNEMNING

Etter innsett fra afghanarane som har på avbrotstakt på Hareid Hotel, fram det mandag kveld stad ein møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og dei seks avbrotstaktane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakemeldingane på afghanske asylsøkjjarar til Pakistan som har kunne stad utleggare i år. Ein har slag ikkje sikre informasjon om kva som har skjedd med dei i Pakistan. Dei politiske representantane viste forsikring for afghanarane at dei var meir trygglege i at dei var runde om å oppnå styrkesmakten om å kje i vande, utsett for afghanske asylsøkjjarar for ein i dei minste får sikre informasjon om

Meir mellom afghanarane og politistar til møtet.

Leggdes til dei som ikkje er vande tilbake. Det var og brei seipe om at dei innsett tid vart avbrotet av ein politisk oppdrag der dei vil ber dei sentrale styresmakter på nytt i vande afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil i kome utsettde til.

Dagleg frykt blant asylsøkjjarane



Det tokapointkarane om hjelp:

Midt Toss: Skarpen som tykk orienterte Muhammad Turig Baryati til viddene Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å få vande tilbake til. Noen Muhammad utsettde. Sparvandet er kva dei kan rytte i den store sammenheng i engangar seg. Når partia på Hareid får dekkert saka og dei kanstale med sine respektive styringsføder, vil dei bli opprett til Justisministeren.

Kven må reise?

Det som ikkje er oppsett er åven av afghanarane som har fått handsama opphaldsøknaden sin. Og frykt breier seg. Heri har ingen afghantar det åven i å oppnå seg i Norge. Ikkje ein gang til, som det er på grunn av dei to land det vert vist til. Regjeringa seier seg også til uttale frå FN's høgkommissar for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forstærkinga tok også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

afghanske skattemaget vortar. Han kan fortelle om kameratar som har vorte skvadert, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». Du kan få gjort kva som heist for pengar i Pakistan, seier Tostet.

Det er ikkje alle afghanarane som vort henta til hotellet like like på-ke og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late heime frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan att, eller dei kan vere på sjukhus som fylgje av svele-streiken - begge alternativ er ei besta fall.

Følg å vere flyktning

slike som stikk av. Dei blir mar-ke, og kan vertte seg ubruddt i tatarane når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

Det er ikkje noko afghanarane tykk framst av att i dette partiet. Men dei som har vorte avbrotet, dei er ikkje slik, og at det er mog- gleg, 8,5 millionar afghanarane i vert i dag utanfor landets grense dei fleste i Pakistan og Iran, i dei har flyktningestatus. Så KGB og den afghanske efter- ringstjenesta Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire hadde afghanarar i kjeft i Paki- har vorte tekne av dage. Dette maktkampen mellom dei afgh- also brudebarnet som dei







Jesus ville ikke tifte noen religion



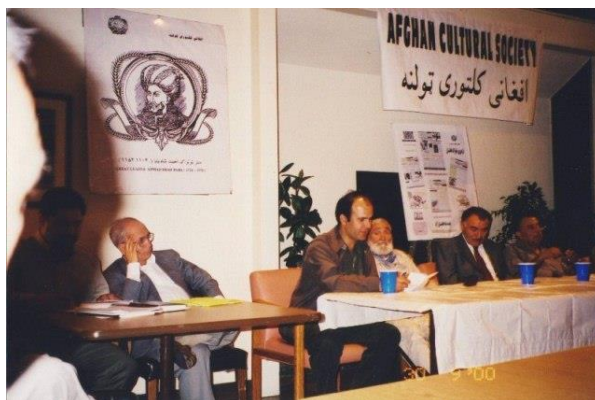
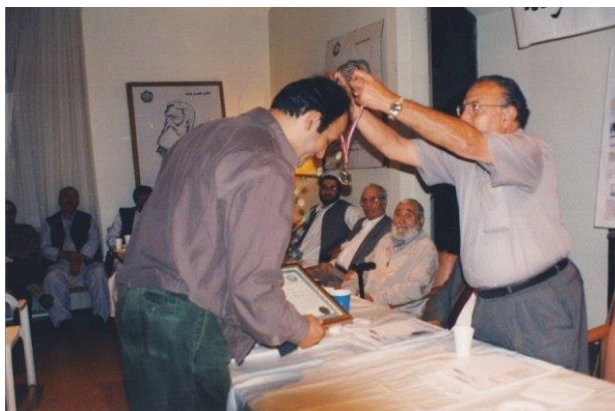
Slakter boka om skogfinnene





ملي رسالت / 148

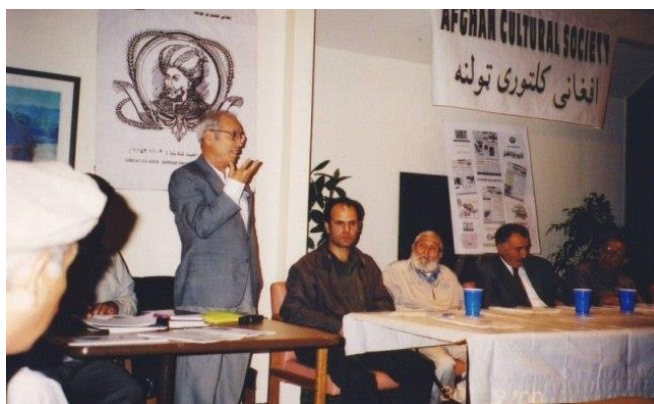
ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال ۲۰۰۰م





ملي رسالت / 150





ملي رسالت / 152

ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان ادب و هنر



ملي رسالت / 153

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن



ملي رسالت / 154

در گزارش تلویزیون ناروی



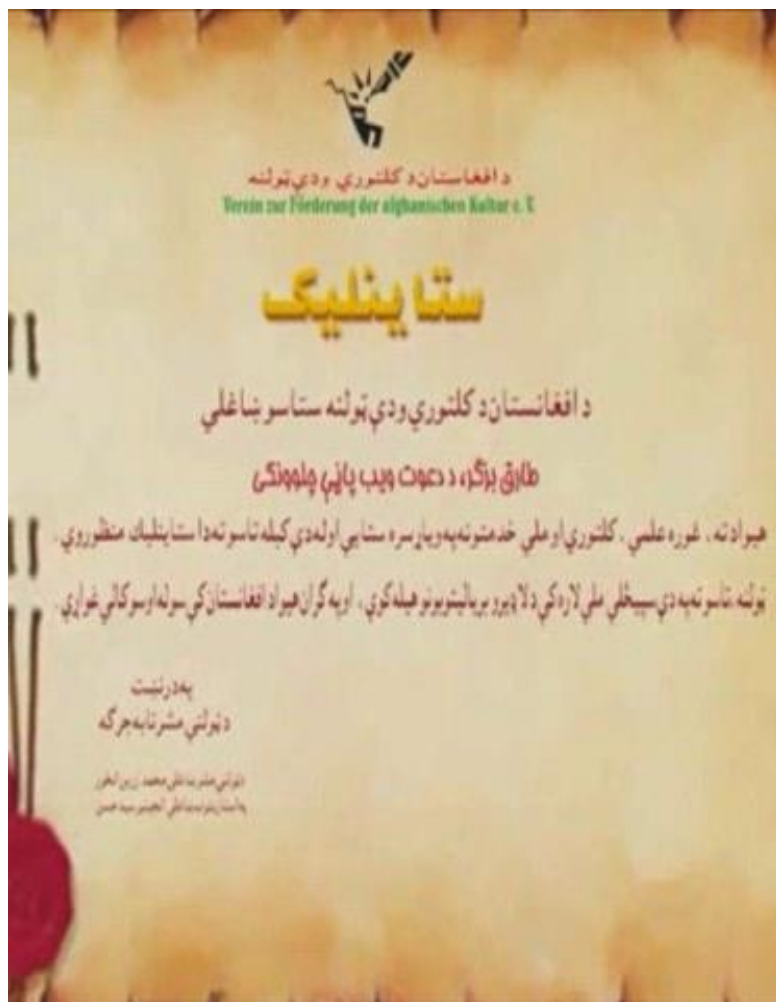
ستايش نامه ها



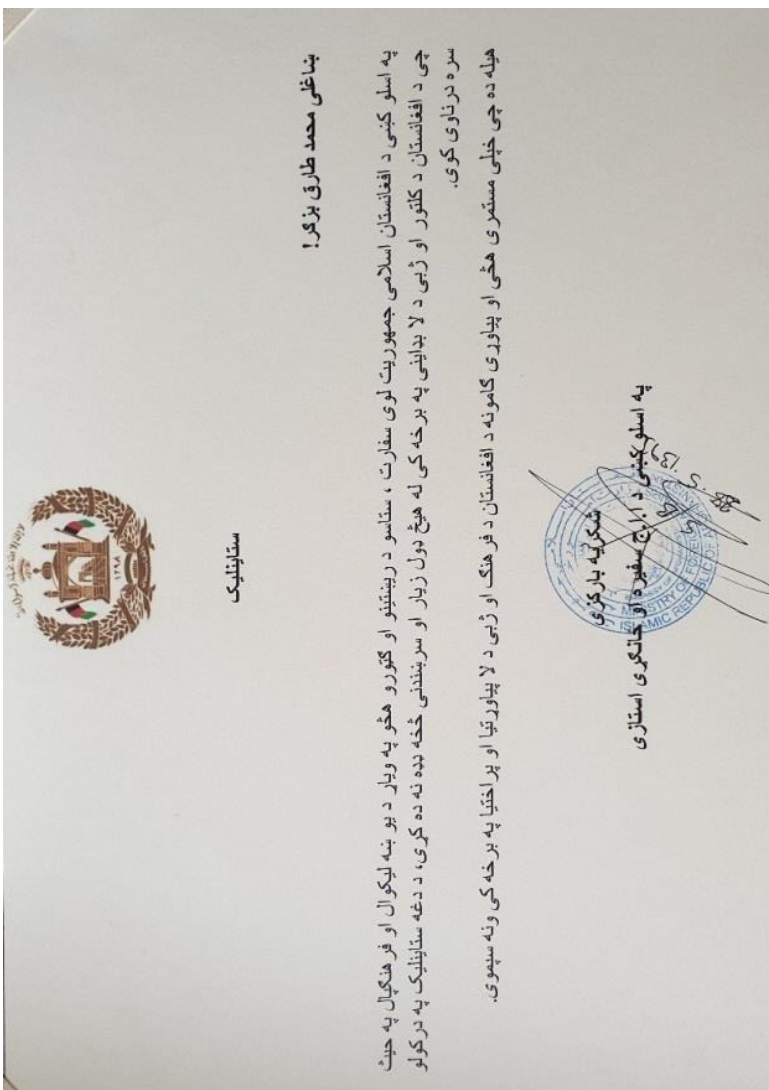










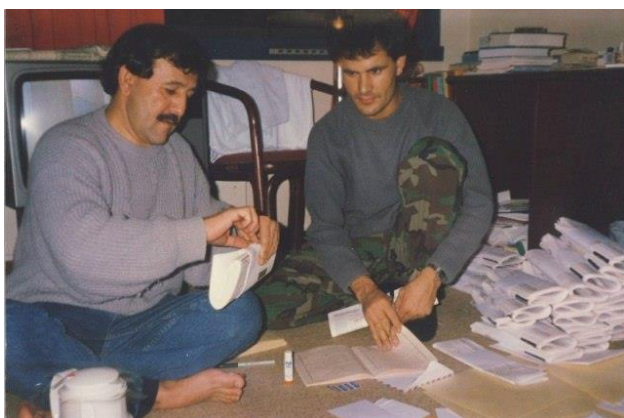




د دعوت نوستالژي



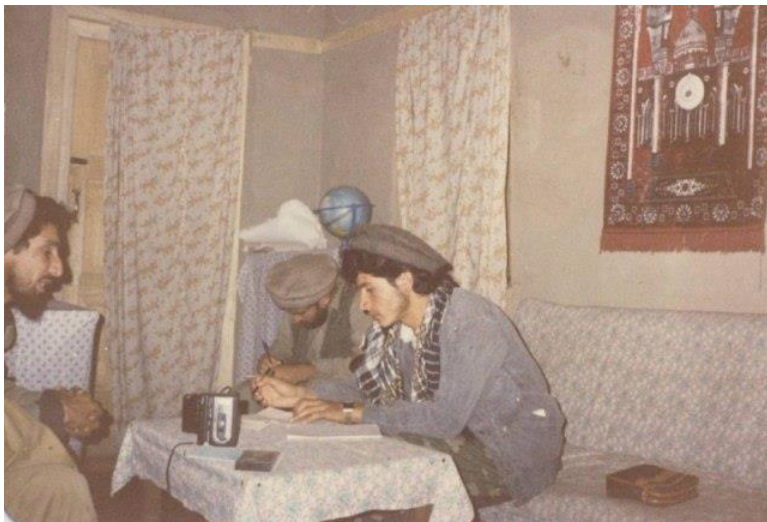
ملي رسالت / 164



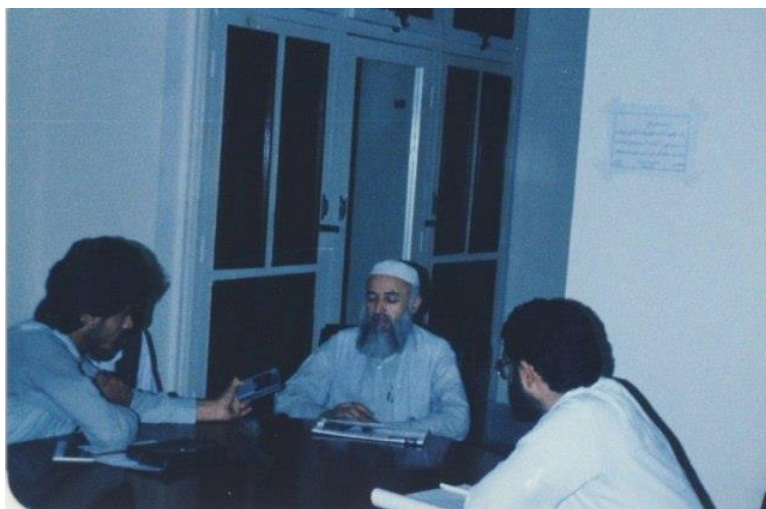
ملي رسالت / 165



مسوول نارويژي چاپ نشریه ی دعوت

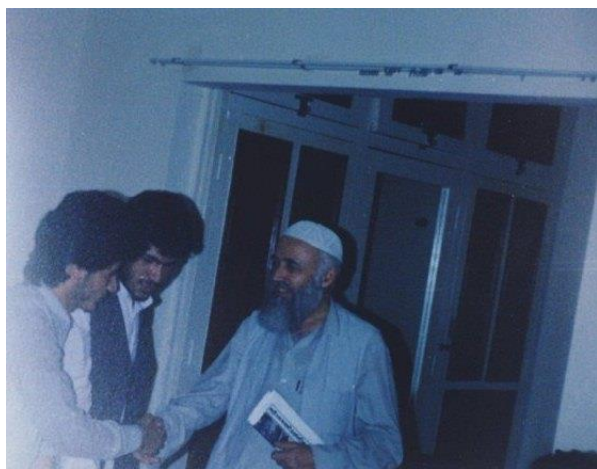


گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود



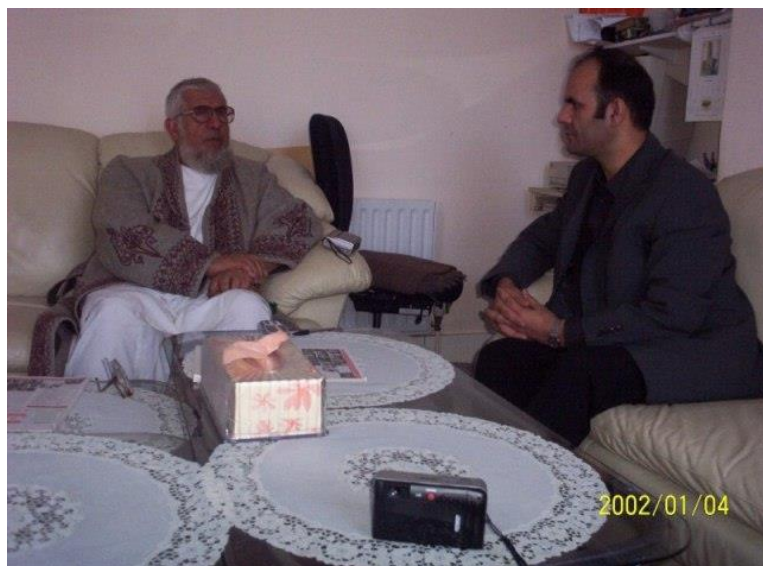
گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

ملي رسالت / 167





ملي رسالت / 169



ملي رسالت / 170



مرحوم علي احمد خان پوپل



فاروق ميرنى

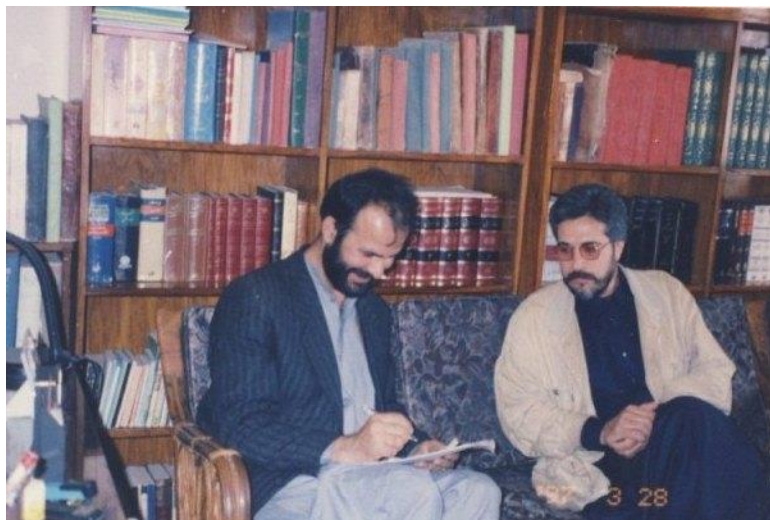


مرحوم پوهاند محمد حسن کاکړ



الحاج فضل الکریم فضل

ملي رسالت / 172

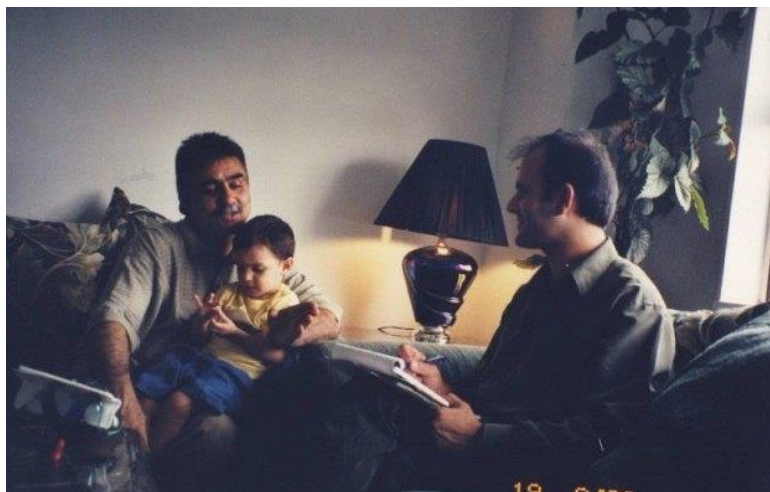


سید اسحاق گیلانی



خالق عزیز

ملي رسالت / 173

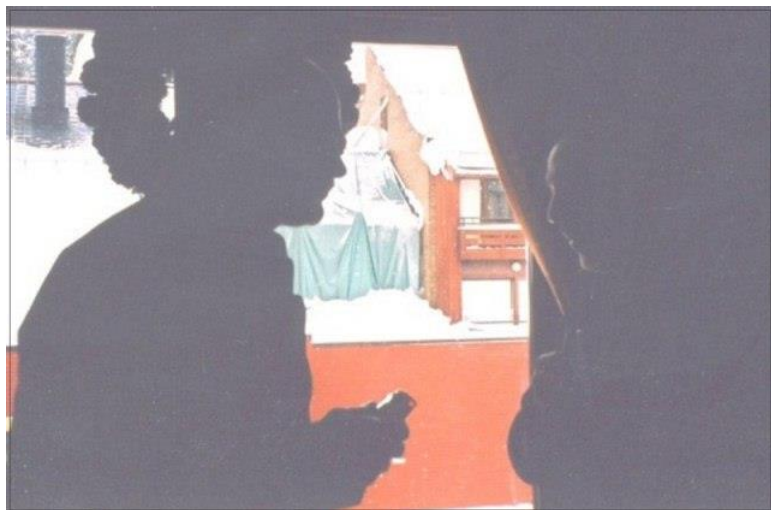


لطيف جان بابي



محمد گل دياني

ملي رسالت / 174

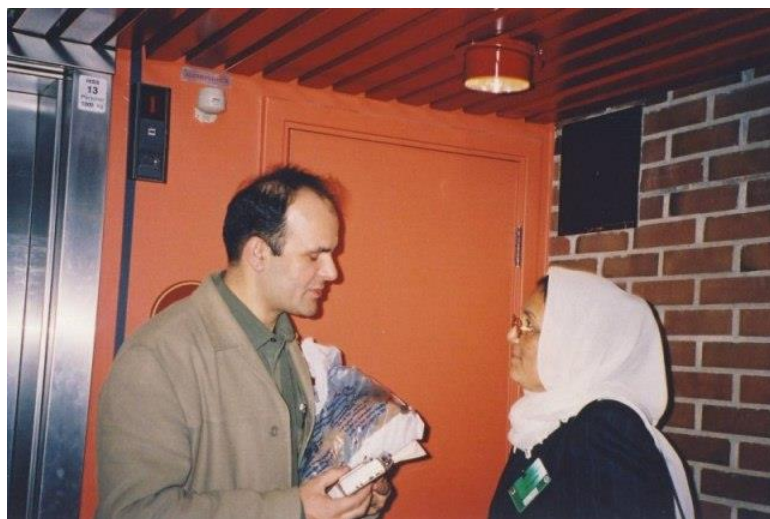


حامد کرزی

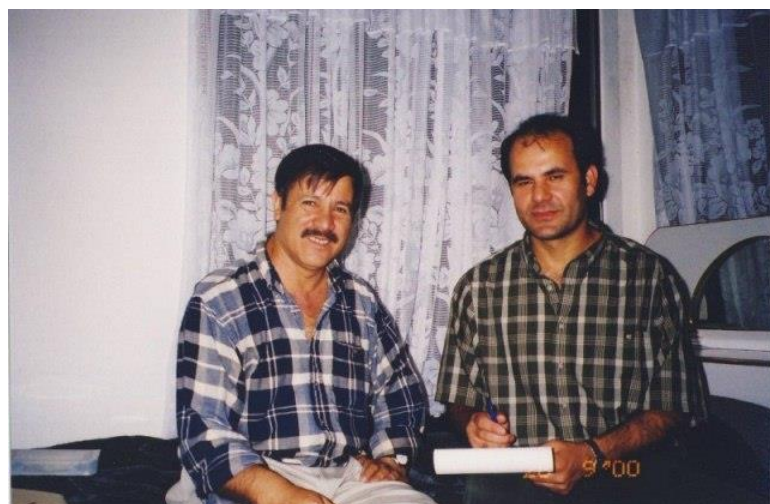


شینکی کروخیل

ملي رسالت / 175



حبيبه سرايى

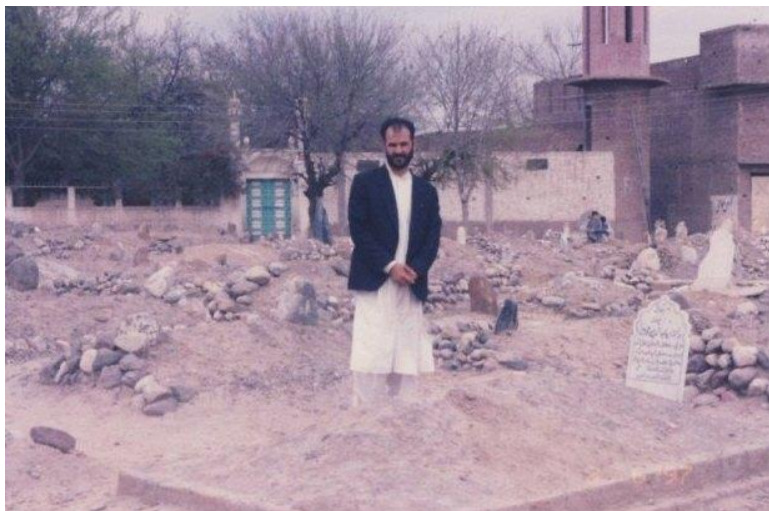


زمريالى

ملي رسالت / 176



ملي رسالت / 177



پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح



سایپی

ملي رسالت / 178



کبير ستوری

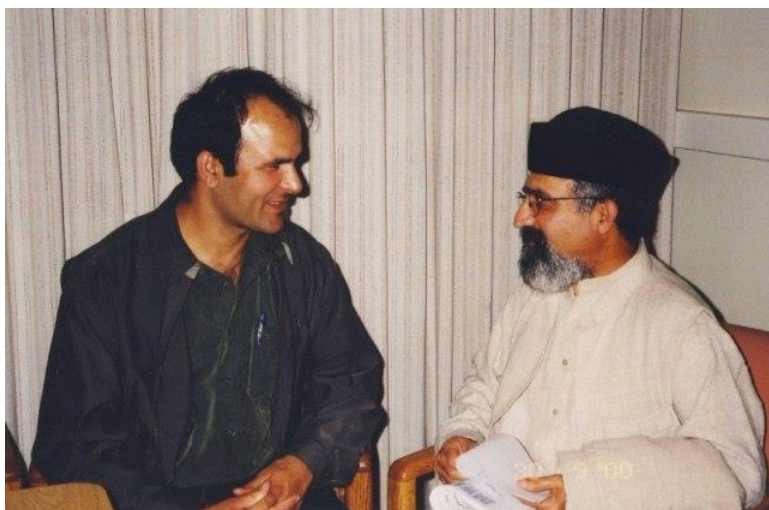


بی نظیر بهوتو



داکتر فرید بزگر

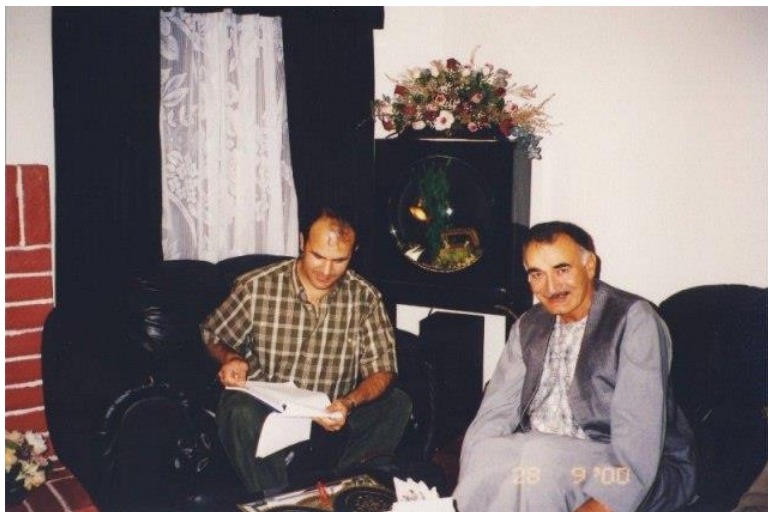
ملي رسالت / 180



داوود مومند



ملي رسالت / 181

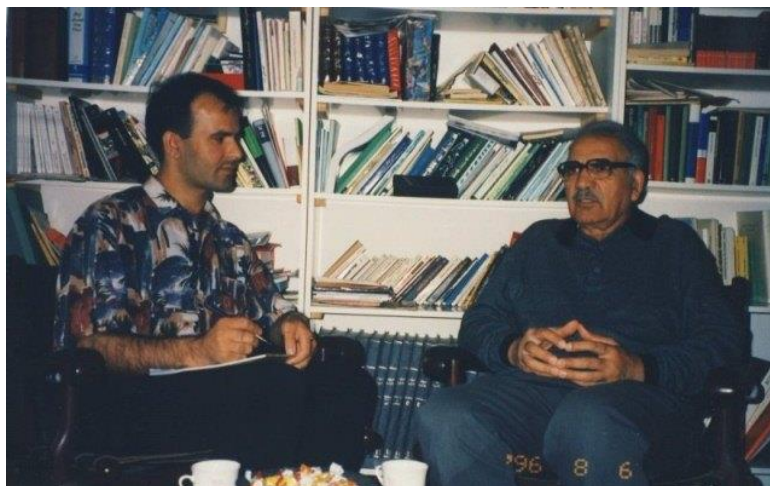


داکتر عبدالقيوم کوچی



داکتر نبی مصداق

ملي رسالت / 182



مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

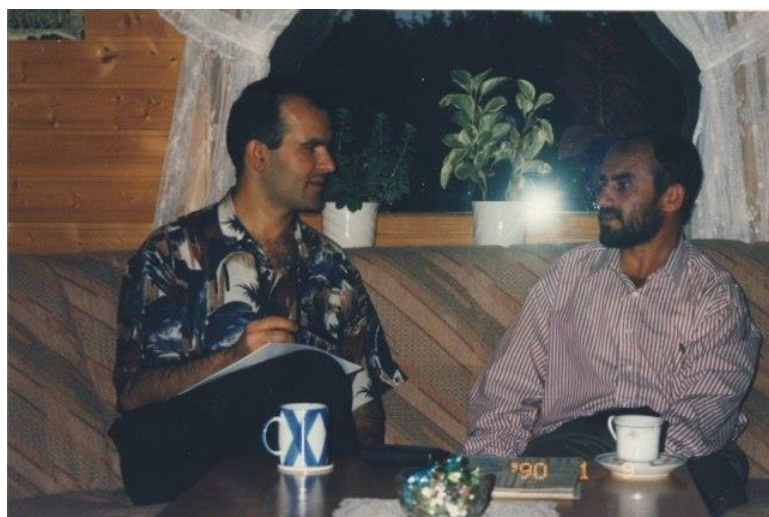


هاشم زمانی

ملي رسالت / 183

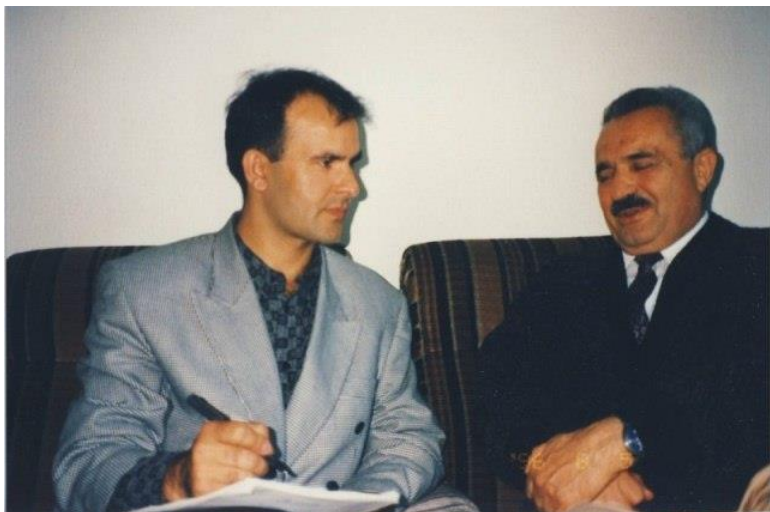


عبدالله مجروح



شینواری

ملي رسالت / 184

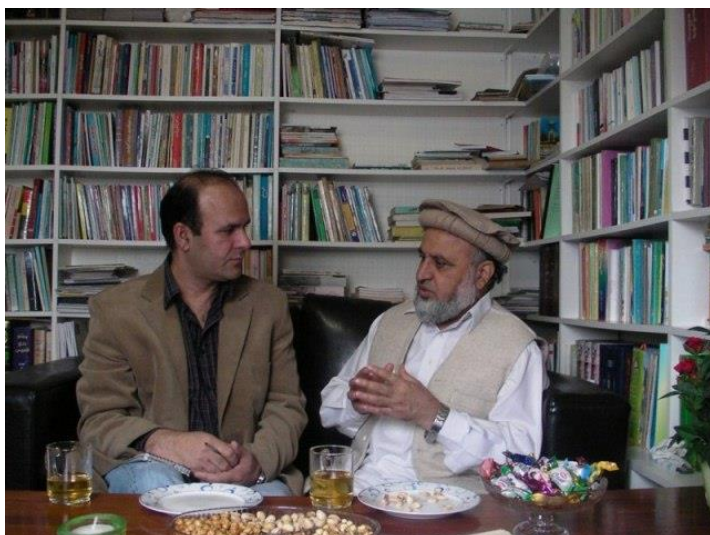


سراج الدين منگل



ريود ليور

ملي رسالت / 185

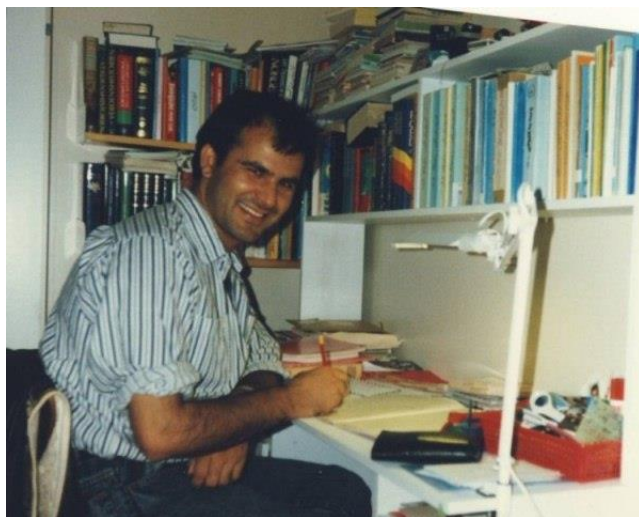


سيما ثمر

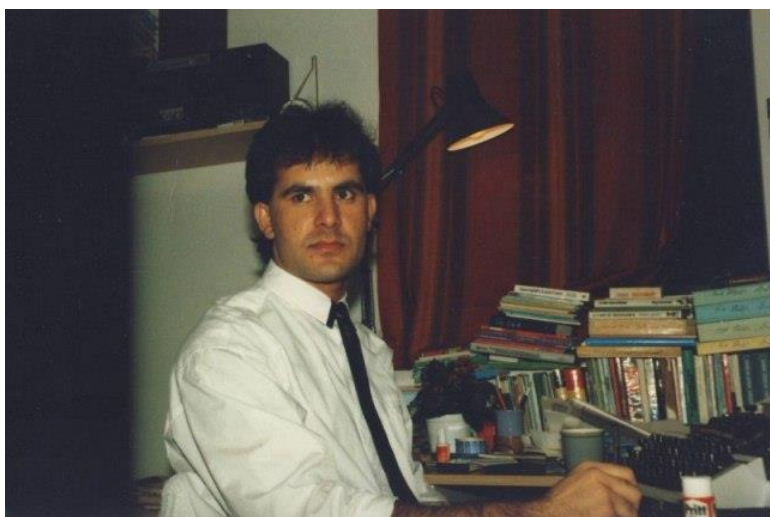
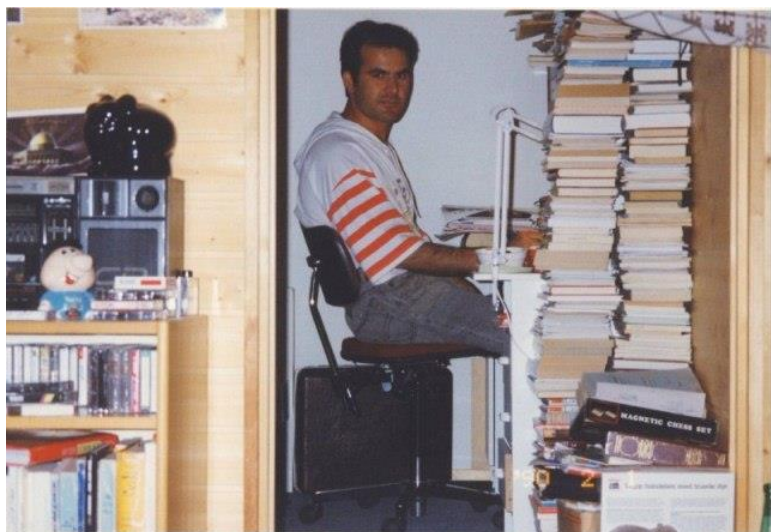
ملي رسالت / 186

شپرېم څپرکی:

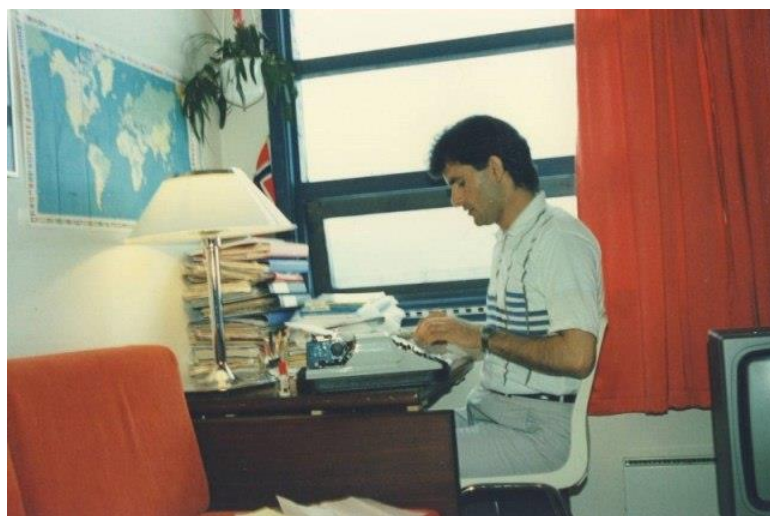
د انځورونو البم



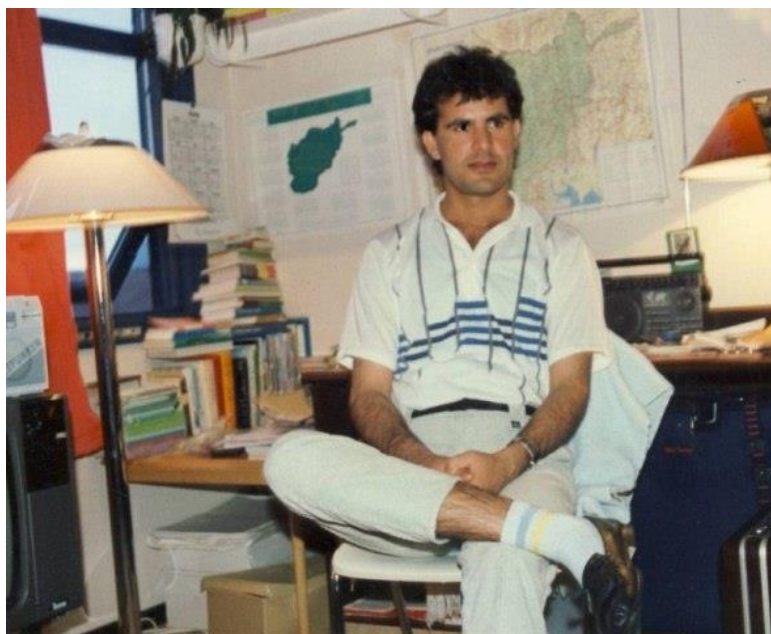
ملي رسالت / 187



ملي رسالت / 188



ملي رسالت / 189



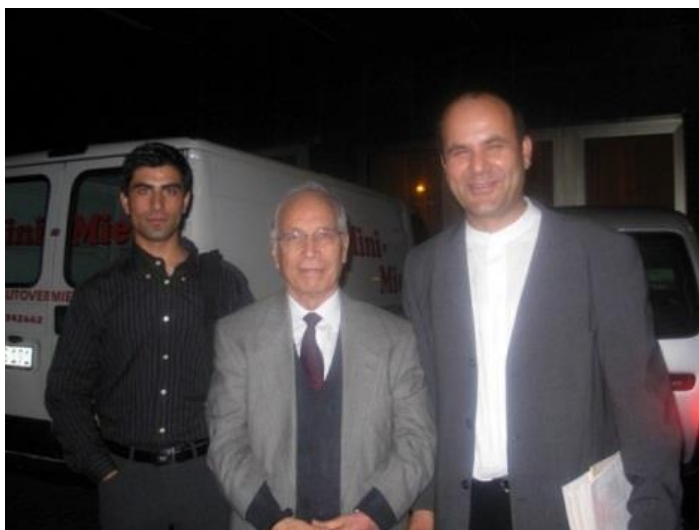
ملي رسالت / 190



ملي رسالت / 191

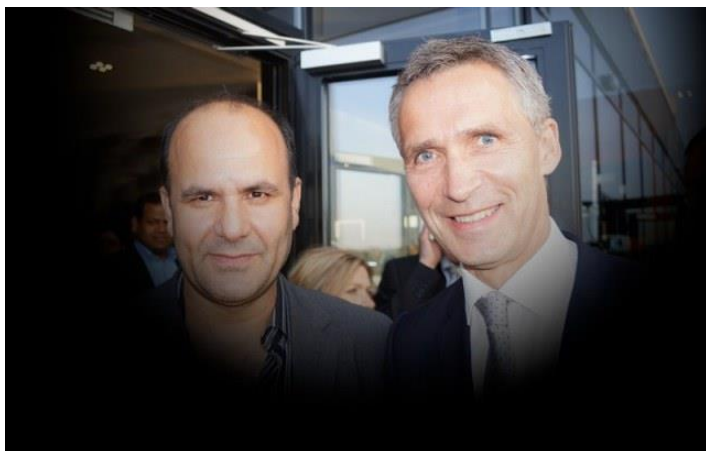


غلام محمد زرمالوال



مرحوم پوهاند محمد حسن کاکړ

ملي رسالت / 192



ستولتنبېرگ



سفیر امریکا در ناروی

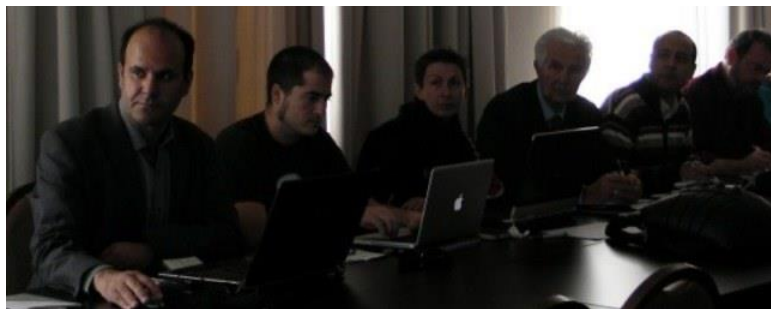
ملي رسالت / 193



مرحوم عبدالصمد حامد



باندويک



ملي رسالت / 194



از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری



ادوارد جیراد

ملي رسالت / 195



ملي رسالت / 196



ملي رسالت / 197



ملي رسالت / 198



ملي رسالت / 199





معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:

عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشریات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون «۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهي»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».

آفرینش های کاری- فرهنگی

برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:

- ۱- برنامه ی مستند تاریخی «یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
- ۲- برنامه ی مستند تاریخی «آینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

ملي رسالت / 201

- ۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
- ۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
- ۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.
- تخلیقات:
- ۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی) - منتشر شده است.
 - ۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی - اجتماعی) - منتشر شده است.
 - ۳- مرز و بوم (تاریخی).
 - ۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان) - منتشر شده است.
 - ۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
 - ۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی) - منتشر شده است.
 - ۷- افغاننامه (مشاهیر افغان) - منتشر شده است.
 - ۸- پشتون ها (تحلیلی) - منتشر شده است.
 - ۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
 - ۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی - اجتماعی).
 - ۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
 - ۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط) - منتشر شده است.
 - ۱۳- با زبان دری (تحقیقی - تحلیلی) - منتشر شده است.
 - ۱۴- روزگار (نوستالژی).
 - ۱۵- پاسخ (واکنش ها).
 - ۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
 - ۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
 - ۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
 - ۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
 - ۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
 - ۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).
- جزوه ها:
- ۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
 - ۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
 - ۳- محمد نادر «نعم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

ملی رسالت / 202

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

- ۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
- ۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
- ۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
- ۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
- ۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
- ۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
- ۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
- ۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
- ۹- دری افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
- ۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
- ۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
- ۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
- ۱۳- آرکایسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
- ۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
- ۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
- ۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

- ۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

ملی رسالت / 203

- ۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
- ۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
- ۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
- ۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
- ۱۵- مرانامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
- ۱۶- ناگفته های ارگگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها کتاب ها و نشریات:

- «سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).
- فلم ها و برنامه های تلویزیونی:
- «مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی «همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
- تأییدات فرهنگی- مدنی:
- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
 - ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
 - ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
 - ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.



M. Tariq Bazger
Redaktør Dawat Media

National mission

By:
Mustafa Omarzai



ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library